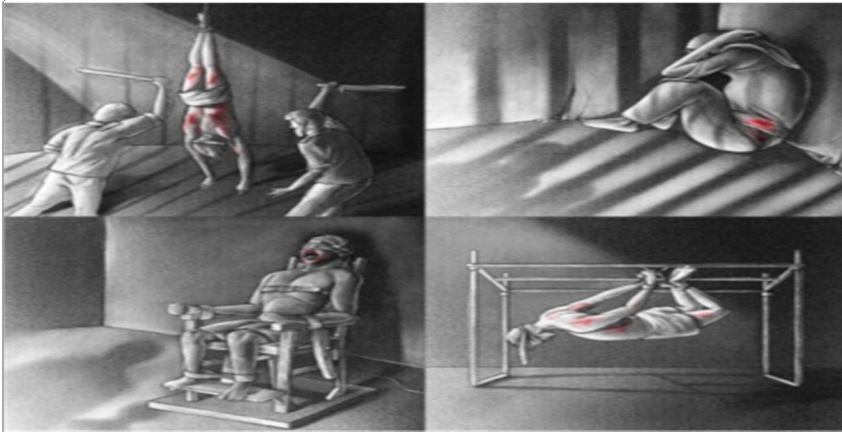


گزارش عفو بین الملل از بازداشت شدگان آبان



تاثیر انتخابات آمریکا بر اوضاع ایران

حسن صالحی

صفحه ۳

گزارش عفو بین الملل دستاورد مبارزه مردم است

اصغر کریمی

صفحه ۴

بازخوانی یک جنایت - فرزند کشی اسلامی

سیامک بهاری

صفحه ۵

انقلاب زنانه: اوج گیری کمپین "من هم در ایران!"

#MeTooIran

صفحه ۶

در معرفی یک کارزار

حمایت ۷ نهاد بین المللی از طومار فری دم ناو

مصاحبه انترناسیونال با شهلا دانشفر

صفحه ۷

اطلاعیه ها

۱- به درخواست خانواده افکاری برای لغو احکام اعدام و زندان و شلاق سه جوان این خانواده پاسخ مثبت دهیم!

صفحه ۱۲

۲- اعتصاب کارگران نفت در روز ۳۲

صفحه ۱۳

۳- تجمع کارگران غیر نیشکری هفت تپه و چند اعتراض دیگر کارگری

صفحه ۱۴

۴- هفت حمایت بین المللی از طومار اعتراضی Free Them Now

صفحه ۱۵

۵- جان جعفر عظیم زاده فعال کارگری در خطر است!

صفحه ۱۶

ضمیمه انترناسیونال 884 روز جمعه ۴ سپتامبر منتشر می شود:

چپ و راست و آلترناتیوهای حکومتی

گفتگوی خلیل کیوان با حمید تقوایی در کانال جدید.

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۸۴

جمعه ۱۴ شهریور ۱۳۹۹، ۴ سپتامبر ۲۰۲۰

شهلا دانشفر

دستاوردها و موقعیت اعتصاب

کارگران نیشکر هفت تپه

کارگران نیشکر هفت تپه با نزدیک به هشتاد روز اعتصاب و اعتراض یک حماسه آفرینند. مبارزات این کارگران یک صفحه درخشان از جنبش اعتراضی کارگری با تجارب و دستاوردهای درخشان را رقم زد. دور جدید اعتصاب این کارگران در واقع ادامه اعتراضات قدرتمند آنان در سال ۹۷ است که امروز در فضای سیاسی متفاوتی شاهد سربلند کردنش هستیم. در عین حال این اعتصاب در فضای بعد از خیزش آبانماه و دیماه سر بلند کرد و این جنبه هم بسیار مهم است. حکومت اسلامی خیزش آبانماه و دیماه را وحشیانه سرکوب کرد، اما مردم کوتاه نیامده و اعتراضات در اشکال دیگر شکل گرفت و امروز همه شواهد حاکی از حرکت جامعه بسوی خیزشی به مراتب قدرتمند تر از آبان ۹۸ و ۹۷ و دیماه ۹۶ است. کارگران نیشکر هفت تپه با اعتصاب تاریخی خود پیشتاز این اوضاع و احوال شدند. این کارگران علیرغم سرکوب وحشیانه اعتصابشان در سال

۹۷ دوباره سر بلند کردند، سنگر خود را به پا کردند و با سخنرانی های پرشورشان و بدست گرفتن پرچم شوراها وارد جدالی قدرتمند شدند. با به میدان آمدن دوباره ۵ هزار کارگر نیشکر هفت تپه، خیابانهای شوش به صحنه راهپیمایی ها و شعاردادن های پرشور این کارگران تبدیل شد و بازهم موجی از همبستگی مردمی حول اعتراضات آنان شکل گرفت و صدای رسای اعتراض این کارگران جهانی شد.

نزدیک به یک دهه است که هفت تپه همواره یک کانون داغ اعتراض کارگری بر سر این موضوعات بوده است. سال ۹۷ یک نقطه عطف در این مبارزات بود. موضوع اصلی اعتراض کارگران نیشکر هفت تپه، اعتراض به بساط دزدی و چپاول حاکم بر این مجتمع بزرگ کارگری و تعرض هر روزه به زندگی و معیشتشان است. مسائلی چون نپرداختن دستمزدها، قراردادهای موقت، بحرانی

ادامه در صفحه ۲

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

دستاوردها و موقعیت اعتصاب کارگران ...

شهلا دانشفر



شدن وضع تولید شرکت و خطر بیکارسازی ها، گران شدن هر روز بیشتر قیمت ها و پایین آمدن قدرت خرید کارگران، محرومیت از پایه ای ترین بیمه های اجتماعی همه و همه موضوعاتی است که همچون همه بخش های کارگری و کل جامعه امان این کارگران را بریده است. در این وضعیت است که هفت تپه امروز به یک سنگر مهم و تاریخی جنبش کارگری تبدیل شده و در واقع این صدای اعتراض همه کارگران و کل جامعه است که علیه بساط سرمایه داری دزد و چپاولگر حاکم چنین رسا بلند شده است.

کارگران نیشکر هفت تپه در جدال خود با بساط مافیایی اختلاسگر حاکم در هفت تپه و بر ملا کردن همدستی آنان با بخش های مختلف حاکمیت کل این سیستم فاسد و رانت خوار را به چالش کشیده و آلترناتیو شورایی را مقابل کل جامعه قرار داده اند.

در نیشکر هفت تپه صفی از رهبران جنبش کارگری به جلو آمده و امروز کارگران میگویند در هفت تپه ۵ هزار رهبر وجود دارد.

یک اتفاق مهم دیگر در نیشکر هفت تپه، کنار زدن شوراها ی اسلامی این نهادهای جاسوسی از سر راه مبارزه شان است و این خود یک پیشروی بارز و مهم در جنبش کارگری و یک الگو است.

این چنین است که نیشکر هفت تپه در قلب جامعه جای گرفته و جنب و جوشی را حول خود شکل داده است. همبستگی های مردمی یک دستاورد بزرگ مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه است.

تلاش برای تفرقه در میان کارگران

جمهوری اسلامی این بار جرت مقابله مستقیم با اعتصاب کارگران را بخود نداد. اما با توطئه گری و انواع ترفند ها تلاش کرد صف متحد کارگران را پراکنده کند و در صفوف کارگران تفرقه ایجاد کند. اما کارگران از همان آغاز اعتراضاتشان اعلام کردند که اعتصابشان را شورایی جلو میبرند تا هر گونه تفرقه افکنی ای را خنثی کنند و با قدرت اتحادشان مبارزه شان را به جلو ببرند. جمهوری اسلامی دست به دستگیری زد، تلاش کرد با طولانی شدن اعتصاب، کارگران را فرسوده و در میانشان تفرقه ایجاد کند، وعده و وعید داد، با برپایی انواع و اقسام جلسات پشت پرده و با همدستی با شورای اسلامی برای پایان دادن به اعتصاب کارگران طرح و برنامه ریخت، اما با مشاهده استواری کارگران در اعتراضشان ناگزیر شد با نمایندگان آنان در مجلس اسلامی نشست داشته باشد. و این یک اتفاق بیسابقه بود و در این نشست ها کارگران نیشکر هفت تپه با پشتوانه اعتصاب قدرتمند خود مجلس اسلامی را به صحنه اعتراض خود تبدیل کردند و ایستادند و بر روی خواستههایشان پای فشردند.

آیند حکومتیان سعی کردند تصویری دهند که گویا اوضاع دارد آرام میگردد. بلندگوهای حکومتی از جمله ایلنا و ایسنا تبلیغاتشان را بر سر اینکه اعتصاب پایان یافته به راه انداختند. از جمله در بحبوحه همین تبلیغات در روز دوم شهریور یعنی در هفتادمین روز اعتصاب این کارگران که هیاتی از کمیسیون ۹۰ و دیوان محاسبات مجلس برای بازدید از هفت تپه به شوش رفته بودند، کارگران نیشکر هفت تپه با حضور گسترده و چند هزار نفری خود از بخش های مختلف شرکت جواب دندان شکنی به همه این تشبثات و دروغها دادند.

در برابر تبلیغات حکومتیان و تفرقه افکنی هایشان و اینکه ظاهرا با پرداخت دو ماه مزد معوقه کارگران اوضاع دارد آرام میشود، کارگران با هوشیاری و مصممانه اعلام کردند که پرداخت دو ماه مزد که آنهم در همان روزهای اول صرف پرداخت قروض آنها میشود، درد آنان را دوا نمیکند و آن چیزی نیست که بخاطرش بیش از دو ماه در اعتصاب

کارگران نیشکر هفت تپه صدای قدرتمند اعتراض کارگران



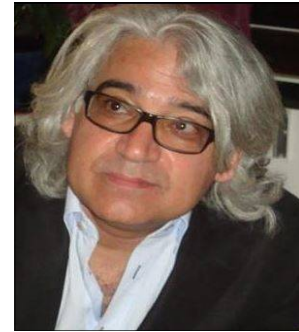
از مبارزات و اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه وسیعاً حمایت کنید!

بوده و در کف خیابان فریاد زده اند. در این مقطع از مبارزه بود که کارگران با تعلیق ضمنی اعتصاب خود بر ادامه اعتراضاتشان به اشکال دیگر برای پیگیری خواستههایشان تاکید کردند. اولتیماتوم دادند که اگر وعده های داده شده انجام نشود بار دیگر جمع خواهند شد و با تصمیمی شورایی در اشکالی گسترده تر اعتراض خود را به جلو خواهند برد و با تاکید بر خواست خلع ید از بخش خصوصی و چپاولگریهای دیگر کارخانه بر مطالبات دیگری چون پرداخت فوری تمام حقوق های معوقه و تمدید دفترچه های بیمه، بازگشت به کار فوری کارگران اخراجی در تمام بخش ها، بازگشت به کار اسماعیل بخشی و تک کارگران اخراجی، بازداشت فوری اسد بیگی و محاکمه او و دیگر اعضای باند مافیایی اش، بازگرداندن فوری ثروت های اختلاس شده به کارخانه و بالاخره حق تشکیل مجمع نمایندگان مستقل خود تاکید کردند. بدین ترتیب نشان دادند که تعلیق تر اعتصاب به معنای ادامه در صفحه ۸

بازداشت فوری اسد بیگی و محاکمه او و دیگر اعضای باند مافیایی اش، بازگرداندن فوری ثروت های اختلاس شده به کارخانه و بالاخره حق تشکیل مجمع نمایندگان مستقل خود تاکید کردند. بدین ترتیب نشان دادند که تعلیق تر اعتصاب به معنای

تأثیر انتخابات آمریکا بر اوضاع ایران

حسن صالحی



با قدرت گرفتن احتمال پیروزی جو بایدن از حزب دموکرات، رقیب دونالد ترامپ، در انتخابات پیشروی آمریکا، چندی پیش گروههایی از نیروهای عمدتاً طرفدار سلطنت نامه ای به جو بایدن نوشتند که بحث های زیادی را دامن زد.

دبیرکل حزب مشروطه ایران که این نامه به ابتکار این حزب و با امضای شماری از سلطنت طلبان فرسگردی سابق ارسال شده است، در همین باره گفته است: "جهان مدتهاست که آمریکا را فانوس آزادی" و مدافع حقوق گروه های اجتماعی سرکوب شده و به حاشیه رانده شده، می داند.

ارسال این نامه باعث شد که گروه های دیگری از سلطنت طلبان این نامه را "انحراف هواداران مشروطه و پادشاهی از شاهزاده رضا پهلوی و میل به جمهوری اسلامی" قلمداد کنند.

در خود جمهوری اسلامی نیز جناحی از حکومت به این دل خوش کرده اند که با انتخاب شدن جو بایدن به رئیس جمهوری آمریکا برجام بتواند دوباره احیا شود و آنها بتوانند سیاست "تعامل با غرب" را دنبال کنند.

متعاقب این بحث ها عده ای از فعالین اجتماعی از ایران از ما پرسیده اند که ما در باره این نامه نگاری ها و تاثیرات

یک مورد آخر آن توافق با طالبان در افغانستان است. هم ترامپ و هم بایدن (در صورت پیروز شدن) در پی سازش با جمهوری اسلامی و رام کردن این حکومت به نحوی هستند که منافع دولت آمریکا در منطقه تامین شود.

دوم، از نظر ما جمهوری اسلامی با برجام و بی برجام باید برود. نقطه شروع درد و رنج مردم ایران تاریخ عقد و یا لغو قرارداد برجام نیست. نقطه شروع دردهای مردم ایران زمان روی کار آمدن جمهوری اسلامی و برقراری حاکمیت نظام اسلامی است که در طول چهل و یکسال گذشته فقر و فلاکت و بی حقوقی بی حد و حصری را به مردم ایران تحمیل کرده است. عقد قرارداد برجام طبعاً انتظارات مردم را برای تحقق خواسته های فوری خود بدرجه ای بالا برد. لغو برجام نیز با اعمال تحریم های اقتصادی گسترده به تشدید بیشتر فقر و فاقه مردم منجر شد. ولی مسئله مهم این است که از نظر ما نفس حاکمیت جمهوری اسلامی عامل اصلی همه بدبختی های مردم ایران است و در هر حال این جمهوری اسلامی است که به عنوان بانی رنج و آزار مردم باید به زیر کشیده شود. لارم است تاکید کنیم که بزرگترین شورش مردم ایران در دیماه ۹۶ و در زمانی اتفاق افتاد که برجام برقرار بود و این اعتراضات در سال ۹۷ و ۹۸ ادامه یافت. خواست مردم ایران که در این اعتراضات فریاد زده شد سرنگونی جمهوری اسلامی است. بودن و یا نبودن برجام تأثیر اساسی ای در عزم مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی نداشته است.

سوم، با اینکه آمریکا در حال حاضر سیاست تغییر

جمهوری اسلامی از طریق رژیم چنچ را دنبال نمی کند ولی بخشی از نیروهای راست همچنان به این امید هستند که دولت آمریکا با دخالت نظامی خود رژیم ایران را تغییر دهد. ما طبعاً با چنین سیاستی شدیداً مخالف هستیم. زیرا رژیم چنچ آمریکائی بدون تردید همچون عراق و افغانستان و جاهای دیگر جز ادامه فاجعه به شکلی دیگر نتیجه ای برای مردم نخواهد داشت. افقی که ما دنبال می کنیم سرنگونی جمهوری اسلامی به نیروی انقلابی مردم ایران و طبعاً با پشتیبانی و حمایت کارگران و مردم آزادیخواه جهان است. سیاست رژیم چنچ از طریق حمله نظامی و یا دخالت ارتش مانند آنچه که ما در مصر و لیبی دیدیم هدفی جز جلوگیری از پیشروی انقلاب مردم، به کجراه بردن آن و نهایتاً قربانی کردن انقلاب مردم در خدمت حفظ ماشین دولتی سرمایه داری ندارد. ما در نقد و افشای چنین سناریوهایی بارها حرف زده ایم و شدیداً در مقابل آن هستیم. ما در عین حال در برابر کسانی که می خواهند به بهانه جنگ زمینه را برای دفاع از مرزها و از جمهوری اسلامی فراهم کنند، اعلام میکنیم عامل اصلی بالاگرفتن خطر جنگ و وضعیت نظامی، خود جمهوری اسلامی است و آنرا باید بزیر کشید.

چهارم، ما خواهان تحریم سیاسی و دیپلماتیک و نظامی و فرهنگی جمهوری اسلامی در سطح جهانی هستیم. ما از همه دولت های جهان می خواهیم که جمهوری اسلامی

را به عنوان نماینده مردم ایران برسمیت نشناسند و به تحریم سیاسی این حکومت بپردازند. ما برای تحقق این خواست از کارگران و مردم در کشورهای مختلف دنیا می خواهیم که بر دولت های خود فشار بیاورند تا این دولت ها روابط سیاسی و دیپلماتیک خود با جمهوری اسلامی را قطع کنند و آنرا زیر فشار قرار دهند. ما از انزوای سیاسی و بین المللی جمهوری اسلامی حمایت می کنیم. هر گونه سازشکاری و بند و بست سیاسی با جمهوری اسلامی از نظر ما محکوم است زیرا سنگ اندازی در مبارزه مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. یک وجه از سیاست دائمی ما مخالفت و مبارزه با سیاست سازش و مامشات دولتهای غربی با جمهوری اسلامی بوده است. فعالین ما در هر نشست و دیدار و گفتگویی که با نمایندگان اتحادیه اروپا و یا دولت های غربی داشته اند همواره خواسته های حق طلبانه مردم ایران را روی میز گذاشته و خواستار قطع روابط دیپلماتیک با جمهوری اسلامی شده اند. ما در ارتباط با دیدار مقامات جمهوری اسلامی از کشورهای اروپایی اعتراضات پر سر و صدایی را سازمان داده ایم که در این اعتراضات ضمن مخالفت شدید با هر گونه سازش با جمهوری اسلامی گفته ایم هر گونه همراهی با جمهوری اسلامی به معنای تأیید اقدامات سرکوبگرانه رژیم علیه مردم است و طبعاً مردم ایران این مسئله را نخواهند پذیرفت.*

سایت حزب کمونیست کارگری ایران

www.wpiran.org

سرنگون باد حکومت چپاول و جنایت اسلامی

**DOWN WITH THE ISLAMIC
REGIME OF IRAN**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

اسلامی همچنان مشغول محاکمه و صدور احکام سنگین زندان و اعدام علیه آنها است. از این فرصت برای شکل دادن به کارزاری قدرتمند و بین المللی باید استفاده کرد. حزب کمونیست کارگری به سهم خود تلاش برای محکومیت و انزوای جمهوری اسلامی، برای آزادی دستگیر شدگان اعتراضات و سایر زندانیان سیاسی و جمع کردن بساط جمهوری اسلامی در خارج کشور و اشاعه گفتمان محاکمه سران جمهوری اسلامی را تشدید میکند. از کلیه مخالفین جمهوری اسلامی در خارج انتظار میرود با تمام قوا به میدان بیایند. خانواده های زندانیان سیاسی و دستگیر شدگان خیزش دی ۹۶ و آنان ۹۸ و همچنین خانواده های جانبازان پرواز اوکراین میتوانند نقش مهمی در تقویت این مبارزه ایفا کنند. فرصت مناسبی فراهم شده تا ضربه سیاسی سنگینی به جمهوری اسلامی در سطح بین المللی وارد کنیم، راه مامشات دول غربی با این حکومت را هرچه بیشتر سد کنیم و مبارزه برای آزادی دستگیر شدگان اعتراضات و کلیه زندانیان سیاسی را هرچه بیشتر تقویت نماییم.*

از هرچیز محصول فضای توفنده و اعتراضی در ایران، گسترش اعتصابات و اعتراضات و مشخصا افشاگری زندانیان سیاسی و خانواده هایشان است. در سالهای گذشته هزاران نامه سرگشاده از طرف زندانیان و خانواده هایشان و از طرف احزاب سیاسی و مشخصا حزب کمونیست کارگری به نهادهای بین المللی از جمله امنستی منتشر شده است. جنایات جمهوری اسلامی در مدیای اجتماعی به زبان های مختلف و در ابعادی وسیع و هر روزه افکار عمومی را تحت تاثیر قرار داده است. خیزش ها و اعتصابات گسترده کارگری در سطح بین المللی مرتب منعکس میشود. تنها در چند هفته اخیر میلیون ها بار در تویتر علیه شکنجه و احکام اعدام و زندان و یا در مورد اعتصابات و اعتراضات به زبان های مختلف خبررسانی شده است. امنستی در پرتو چنین فضایی گزارش جدیدش را منتشر کرده است و به سهم خود فضای جدیدی برای فشار بین المللی سنگینی علیه جمهوری اسلامی و بویژه جنایات عظیم جمهوری اسلامی در آن ۹۸ فراهم کرده است. تعداد زیادی از دستگیرشدگان آن همچنان در زندان اند و جمهوری

شورای حقوق بشر سازمان ملل فراخوان داده که اقدامی جدی در دستور قرار دهند. بدنبال این فراخوان دولت سوئد بلافاصله از فراخوان امنستی حمایت کرده و انتظار میرود که دولت های بیشتری نیز عکس العمل نشان بدهند و رسانه های بیشتری به این مساله بپردازند. گزارش عفو بین الملل حاکی از تغییری در سیاست این سازمان نسبت به جمهوری اسلامی است و این اتفاق مثبتی برای مردم ایران و مشخصا زندانیان سیاسی و دستاوردی برای مردم در مبارزه علیه حکومت است.

علت این تغییر اساسا یک چیز است: افشاگری هر روزه زندانیان و خانواده هایشان و فضای اعتراضی جامعه ایران. اگر چنین فضایی در ایران حاکم نبود امنستی هم چنین گزارشی نمیداد. ممکن است گفته شود که سیاست دول غربی و بویژه سیاست های دولت آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی تغییر کرده و دول غربی لحن تندترین نسبت به جمهوری اسلامی دارند و امنستی نیز بعنوان نهادی که کم و بیش در چهارچوب مواضع دول غربی عمل میکند تحت تاثیر این فضای جهانی مبادرت به انتشار این گزارش کرده است. اینهم واقعیت دارد و سیاست دول غربی نسبت به جمهوری اسلامی در این مقطع به درجاتی انتقادی تر شده است اما دولت های غربی هروقت خواسته اند موضع تندتری علیه جمهوری اسلامی بگیرند به تحریم بیشتر و یا فشار دیپلماتیک بیشتر روی آورده اند نه افشای جنایات حکومت علیه مردم. مردم در موضعگیری دولت ها نقشی ندارند. گزارشات نهادهای بین المللی مثل امنستی نیز قبل

گزارش عفو بین الملل دستاورد مبارزه مردم است اصغر کریمی



میکند که با جدیت از مقامات ایران بخواهند که فوراً بدون قید و شرط تمام کسانی که تنها به دلیل استفاده مسالمت آمیز از حقوق خود بر آزادی بیان، تشکل و تجمع در رابطه با اعتراضات آن ۱۳۹۸ در حبس به سر میبرند را آزاد کنند؛ کلیه محکومیت های حاصل از دادرسی های ناعادلانه، از جمله محکومیت های متکی بر اظهارات اخذ شده تحت شکنجه یا سایر بدرفتاریها را لغو کنند؛ و افراد مسئول در موارد نقض حقوق بشر را پاسخگو نگه دارند." جنایات حکومت علیه مردم و زندانیان سیاسی بسیار فاجعه بارتر از این گزارش است و ابعاد بسیار وسیعتری دارد و مواردی که عفو بین الملل در مورد نقض حقوق بشر برشمرده لااقل برای مردم ایران تازگی ندارد. مردم ایران و زندانیان ساسی از چهار دهه قبل معنی واقعی سیستم قضایی و زندانهای جمهوری اسلامی را با گوشت و پوست لمس کرده اند و شاهد جنایات بسیار تکان دهنده تری بوده اند. اهمیت گزارش عفو بین الملل این است که بعنوان یک نهاد جهانی که مورد توجه دول غربی است تصویر مستندی از جنایات حکومت اسلامی در ارتباط با اعتراضات آن ۹۸ داده و به دولت های عضو

عفو بین الملل گزارش مفصلی از رفتار وحشیانه جمهوری اسلامی با معترضین و بازداشت شدگان آن سال قبل تحت عنوان "ویرانگران انسانیت: بازداشت های گسترده، ناپدیدسازی و شکنجه در پی اعتراضات آن" منتشر کرده که از گزارشات همیشگی این سازمان جامعتر، تندتر و افشاگرانه تر است. گزارشی که گوشه ای از رفتار سبانه حکومت و ارگان های مختلف سرکوب آن علیه مردم معترض را به تصویر کشیده است. عفو بین الملل همچنین در اطلاعیه ای مطبوعاتی که روز ۲ سپتامبر (۱۲ شهریور) منتشر کرده به اپیدمی شکنجه در جمهوری اسلامی اشاره کرده و از کشورهای عضو شورای حقوق بشر سازمان ملل و دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل درخواست کرده است که "برای پایان دادن به این مصونیت طولانی مدت و نظام مند در خصوص نقض فاحش حقوق بشر در ایران قدمهای فوری بردارند، از جمله از طریق ایجاد یک ساز و کار تحقیقاتی با هدف اطمینان یافتن از پاسخگویی، مسئولیت پذیری و تضمین عدم تکرار. این سازمان همچنین از تمامی کشورهای عضو سازمان ملل درخواست

بازخوانی یک جنایت - فرزند کشی اسلامی سیامک بهاری



را فرستاده خدا می دانست، برای رضایت پروردگارش بیرحمانه خنجر بر گلوئی فرزندش اسماعیل می گذارد تا با قربانی کردن او خشم خدایش فرو بنشیند. بدیهی است که در این داستان فرزند در رده احشام است. نه موجودی قائم به خود و انسانی مستقل. بخشی از دارایی های ابراهیم است که به خدایش هدیه می دهد. تملک زن و فرزند اساساً در

اسلام از خصایص "مرد" است. و زن و کودک بخشی از مایملک مرد هستند. مطابق ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی، ریاست خانواده از "خصایص" مرد است. این بی حقوقی آشکار توسط جمهوری اسلامی به قانون "مدنی" مملکت بدل شده است.

بر اساس قانون مجازات اسلامی، پدر به دلیل قتل فرزندش قصاص نمی شود چون خودش ولی دم و صاحب حق قانونی تقاضای قصاص است.

قاتل برای ارتکاب جرمش فرصت کافی داشته است که تحقیق کند و راه های قانونی تخفیف جرم و پشتیبانی های فقهی - قضایی اسلامی را هم مانند ابزار قتاله انتخاب کند.

رضا اشرفی، پدر رومینا، از تهیه مرگ موش برای مسموم کردن رومینای سیزده ساله تا داس را با فرصت کامل

بررسی کرده است. از مطلعین قوانین، مشورت گرفته است و برای اجرای عمل ننگینش زمان و مکان را هم تعیین کرده است. مطلعین تشویقش کرده اند و تحت فشارش هم گذاشته اند که اگر خودش این کار را نکند دیگران می کنند. دادگاه دقیقاً در موازات همین همدستان

آن است. بر سر وجود و هموار کردن راه جنایتی به نام کودک کشی و فرزند کشی است. بر سر تمام عوامل پدیدآورنده این جنایت است. چه قوانین و چه عوامل اجرایی آن که آزادانه در مصدر مهمترین پست های کشوری و قضایی و حقوقی اند از منظر جامعه به حق همدست و همطراز قاتل اند. اگر پدر رومینا قاتل یک فرد است. این عوامل قاتلین سریالی جنایات بیشمار طمی بیش از چهار دهه حکومت اسلامی اند.

قصاص و اعدام رضا اشرفی، پدر رومینا، هیچ گرهی از حل معضل عظیمی که جامعه و بی حقوقی زن و کودک با آن روبروست نخواهد گشود. قصاص و انتقام، پاک کردن صورت مسئله، تهی کردن محتوای اجتماعی یک کفرخواست و تنزل آن به فرد است. قرار دادن خانواده در موقعیت مأمور اجرای احکام و مخفی کردن علل و عوامل مؤثر در ایجاد فاجعه و استمرار آن است.

تملک فرزند و قربانی کردن آن و سیر تاریخ این توحش اساماریشه در مذاهب و باورهای منحن قرون و اعصار دارد. ابراهیم که خود

اعلام حکم دادگاه در باره مجازات یک "پدر" بعنوان قاتل دخترش، رومینا اشرفی، مجدداً چرایی این جنایت هولناک، و فرزند کشی در ایران، سیستم قضایی جمهوری اسلامی و بی حقوقی کودکان و زنان را از زوایای مختلف مطرح کرد. دملی چرکین که هر بار خونین تر و عمیق تر سر باز می کند.

از نگاه سیستم قضایی جمهوری اسلامی، اصل و فرع پرونده این است که پدری بعنوان ولی دم (صاحب و مالک خون) دختر سیزده ساله خودش را به دلایل ناموسی با داس سربریده است. وی به دلیل ارتکاب قتل، توسط دستگاه قضایی کشور محاکمه و برابر قوانین مجازات اسلامی، به حکم شرعی ۹ سال زندان و پرداخت نیمی از دیه یا خون بها محکوم گردیده است. ختم پرونده!

این تمامی کاری است که سیستم قضایی جمهوری اسلامی قرار بوده انجام بدهد. خشم جامعه نسبت به رأی دادگاه، نه بر سر تخفیف حکم مجازات، که اساساً بر سر چگونگی احراز جرم و روند وقوع آن و عوامل دخیل در

علیه کل سیستم قضایی و قوانین کیفری اسلامی تبدیل می شود. انسانیت، مدنیت، عواطف و احساسات، خانواده و حق کودکی و بی پناهی یک کودک درمانده، در چنگال خونین تجرر اسلامی له و نابود می شود.

رومینا، دخترک سیزده ساله در نیمه راه کودکی، شکوفه های بهار زندگی کوتاهش با داس خونین قوانین قضایی و اخلاقیات منحن حکومت اسلامی به دست پدرش پرپر می شود. همه قوانین نوشته و نانوشته از آیه و حدیث و روایت تا دستورات اخلاقی - اسلامی از منبر و مسجد و ملا و حاکم شرع و قاضی حکومتی دست به دست هم می دهند تا رومیناها در سکوتی جانکاه، سربریده شوند.

قاتل پیش از ارتکاب جنایت، همه راه های حمایت قوانین مجازات اسلامی را دوره کرده بود و در هیچ کجا به مانعی بر سر راه تصمیم شومش بر نمی خورد. هیچ نهاد و مرکزی نیست که او را از اقدامش بازدارد. می دانست که اگر دخترش را بکشد بر اساس ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی، پدر "ولی" ادامه در صفحه ۱۰

عمل می کند.

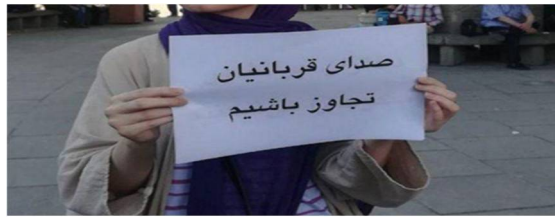
هنگام وقوع این جنایت در خردادماه، جامعه علیه آن، حرف حسابش را زد. گفت که جمهوری اسلامی قاتل اصلی رومینا اشرفی است. گفت که این اسلحه را جمهوری اسلامی به تناوب به دست پدر و برادر و شوهر می دهد تا به نام دفاع از ناموس مرتکب هر جنایتی بشوند. گفت که قصاص و قوانین مربوط به آن، همدست کردن بازماندگان با قاتل است. گفت که "دیه" و "ولی دم" بی حقوق کردن قربانی و پاک کردن تأثیرات جرم بر جامعه و تشدید ستم جنسی حتی در احراز جرم است. به همین دلیل زن "کسی تبعات قضایی به مراتب کمتر و سبکتری نسبت به دیگر جرائم مشابه دارد. گفت که رضا اشرفی خودش هم قربانی همین نظام قضایی است.

کالبد شکافی

استمرار یک جنایت

جمهوری اسلامی بیش از چهار دهه کل جامعه را به شلاق قوانین قضایی و جزایی و مدنی اسلامی بسته و به محاق کشیده است. به همین دلیل پرونده قتل رومینای سیزده ساله برای جامعه به یک کیفرخواست

حکومت اسلامی ضد زن نابود باید گردد



ده ها و ده ها آمر و عامل تجاوزهایی که از طبقه حاکم نشأت میگیرد، باید مساله اعتراض و سر در این کمپین قرار بگیرد.

بنابراین برای اینکه جمهوری اسلامی با دستگیری کیوان امام وردی، به موج اعتراض موجود علیه بردگی جنسی پایان ندهد، و از این واقعه بهره برداری سیاسی به نفع خود نکند، باید همچنان پیکان حمله را بسمت جمهوری اسلامی گرفته و به نقد و چالش و اعتراض به این حکومت و شرایطی که ایجاد کرده بپردازیم.

تجاوز جنسی حکم یک حربه و ابزار در خدمت بردگی جنسی را دارد. تجاوز جنسی همچون اعدام برای جمهوری اسلامی در سرکوب و حمله به جامعه کارایی دارد. لذا علاوه بر محکوم کردن هر نوع تجاوز جنسی و محکومیت کیوان امام وردی و امام وردی ها، به خود حکومت که تولید و بازتولید کننده تجاوز است باید بصورت همه جانبه حمله کرد. در همین راستا نقش فعالین حقوق زن و کودک و فعالین دیگر جنبشهای اعتراضی و نیز احزاب سیاسی اپوزیسیون جمهوری اسلامی، برای فراتر رفتن جنبش علیه بردگی جنسی از افشاگری صرف، و برای برداشتن گام هایی جلوتر، بسیار تعیین کننده است.

نکته پنجم: درصد بالا و قابل توجهی از موارد تجاوز جنسی گزارش نمی شود، چرا که دستگاه قضایی متعلق به

جنسی همچون قوانینی چون تمکین (مجوز تجاوز شوهر به زن)، کودک همسری (مجوز تجاوز به افراد زیر سن قانونی)، که همگی کلاه شرعی روی مساله تجاوز جنسی گذاشته، عدم وجود قوانین منع خشونت علیه زنان و کودکان، عدم اجرایی شدن اسنادی همچون سند ۲۰۳۰، عدم وجود آموزش صحیح روابط جنسی در

مدارس و آشنایی کودکان به این نوع از روابط و همچنین ارگانها و آلت جنسی، و مهمتر از همه حجاب اجباری که زن را از ۹ سالگی مجاب به پوشاندن خود میکند، باید مساله این کمپین باشد.

همچنین نقش جمهوری اسلامی در تولید و بازتولید فرهنگ تجاوز و تعرض جنسی در ابعادی دیگر همچون تجاوز جنسی به زندانیان سیاسی، تجاوز به باکره ها قبل از اعدام، تجاوزهای سازماندهی شده به همجنسگرایان و ترنس ها، تجاوز به معترضین تظاهرات ها از جمله سال ۸۸، زمستان ۹۶، آبان و دی ماه ۹۸، تعرض گشت ارشاد و آزارهای خیابانی این ارگان سرکوبگر به زنان که نمادهای تعرض خیابانی به زنان هستند، تجاوز به زنان "بدحجاب" بازداشت شده در مراکز نیروی انتظامی در گرو آزاد کردن آنها، تجاوز گروهی ایادی جمهوری اسلامی به جمعی از زنان در ایرانشهر، تجاوز مسئولان و مقامات نظام همچون سلمان خدادادی تجاوزگر زهرار نوید پور و تجاوز مامور وزارت اطلاعات به ریحانه جباری و

اسلامی برای سرپوش گذاشتن روی معضلاتی که خود مسبب آنست، قربانی کردن فرد یا افرادی را به عنوان مکانیزم تدافعی بکار گرفته، و با نمایش محاکمه و دادگاه و مجازات تلاش میکنند، موج اعتراضی موجود که می رود حکومت را نشانه بگیرد را بخواباند. لذا این مورد نیز باید مورد توجه این کمپین، فعالان آن و نهادهای و سازمانها و احزاب اپوزیسیون جمهوری اسلامی قرار گرفته تا به اشکال مختلف راه برای نوعی از مکانیزم دفاعی حکومت بسته شود.

نکته چهارم: با محاکمه و مجازات یک متجاوز، آیا مسئله تجاوز جنسی در ایران و نگاه جنسی به زن تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ریشه کن می شود؟ **هرگز!**

فردی همچون کیوان امام وردی که پرورش یافته شرایط ضد انسانی و ضد زن و فرهنگ تجاوز است که جمهوری اسلامی حاکم کرده، (حکومتی که زن نزد قانون آن جنس دوم، کالای جنسی و وسیله ای برای ارضا نیاز جنسی مرد است) اگر محاکمه هم بشود، تغییری در قوانین زن ستیز جمهوری اسلامی بوجود نخواهد آمد. بنابراین دستگیری کیوان امام وردی را نباید پایان کار دانست، چرا که ریشه معضل تجاوز جنسی که خود جمهوری اسلامی باشد همچنان سر جای خود باقیست. هر چند دستگیری کیوان امام وردی، یک پیشروی در کمپین #من_هم در ایران است، اما جهت گیری اعتراض این کمپین، همچنان باید بسمت جمهوری اسلامی باشد.

مساله فرودست بودن زن در قانون، قانونی بودن بردگی

انقلاب زنانه: اوج گیری کمپین

"من_هم در ایران!"

#MeTooIran



"اعتراض" نقش مهمی دارد و این مکانیزم را باید در همین عرصه نه به تجاوز و نه به بردگی جنسی و همچنین در عرضه های دیگر ادامه داد. چرا که اعتراض روی جمهوری اسلامی چنان فشار وارد میکند تا مجبور شود به فضای اعتراضی موجود واکنش نشان دهد.

نکته دوم: دستگاه قضایی جمهوری اسلامی با کیوان امام وردی چه خواهد کرد؟ حبس ابد؟ شلاق؟ یا اعدام؟

در صورتی که یکی از احکام بالا همچون شلاق و اعدام صادر شود، اشکالی از خشونت عامدانه حکومتی را اعمال کرده است. چه شلاق که از شنیع ترین اشکال مجازات است و چه اعدام که قتل عمد دولتی است، و چه حبس ابد هر سه از عوامل تولید و بازتولید خشونت در سطح کلان هستند. بنابراین مهم است که همزمان که خواهان محاکمه مجرمان تجاوز جنسی باشیم، با هرگونه مجازات فیزیکی مجرم، مخالفت خود را صریح و روشن اعلام کنیم. برای چنین افرادی مجازاتی طبق آخرین استانداردهای جهانی باید صادر شود. نه مجازاتهای اسلامی مثل شلاق.

نکته سوم: جمهوری اسلامی از دستگیری کیوان امام وردی ققدر بهره برداری سیاسی میکند؟

آچه پیش بینی می شود اینست که همواره جمهوری

در پی افشاگری از تجاوزهای جنسی و بطور مشخص تجاوز جنسی توسط کیوان امام وردی، در خبرهای روز سه شنبه ۴ شهریور ۹۹ آمد که این شخص که زنان جوان غالباً دانشجوی را با ترندهای مختلف به خانه می کشانده، و با شراب دست ساز که در آن داروی بیهوشی یا خواب ریخته بوده و زمینه تجاوز جنسی را فراهم می کرده، توسط پلیس در تهران دستگیر شده است.

در همین رابطه در انقلاب زنانه به چند نکته می پردازیم:

نکته اول: تاثیر اعتراض و فشار روی جمهوری اسلامی

دستگیری کیوان امام وردی به عنوان فردی متجاوز، نتیجه فشار اعتراضی موجود در شبکه های اجتماعی و افشای تعداد بسیار زیادی روایتهای مشابه در مورد این فرد و همچنین افراد دیگری بود که مرتکب این عمل ضد انسانی شده بودند. این حرکت تاریخی یعنی موج عظیم کمپین #من_هم و افشاگری ها از این تراژدی جنسی در بستر یک نارضایتی عمیق عمومی از وضع موجود و فضای سیاسی- اجتماعی- اعتراضی موجود بطور ویژه جنبش سرنگونی در ایران از سر گرفته شده و یکی از نتایج آن، دستگیری این فرد مجرم است. این بدین معناست که

در معرفی یک کارزار

حمایت ۷ نهاد بین المللی از طومار فری دم ناو
مصاحبه انترناسیونال با شهلا دانشفر



انترناسیونال: طوماری از سوی کمپین برای آزادی کارگران زندانی (فری دم ناو) در دفاع از اعتصابات کارگری و اعتراض به احکام اعدام در ایران منتشر شده و از اتحادیه های کارگری و نهادهای انساندوست در سراسر جهان خواسته شده است که با گذاشتن امضای خود در زیر این طومار حمایت و پشتیبانی خود را از این کارزار اعلام کنند. در این رابطه از شهلا دانشفر خواستیم که به این سوال پاسخ دهند که این طومار بر چه نکاتی تأکید دارد و تا چه حد در همین مدتی که انتشار یافته پاسخ گرفته است؟

شهلا دانشفر: طومار اعتراضی منتشر شده از سوی کمپین برای آزادی کارگران زندانی بر سه نکته مهم که عاجل هم هستند تأکید دارد. یکی لغو احکام اعدام هشت جوان از بازداشت شدگان آبانماه و دی ماه است. دوم در مورد شیوع بیماری مهلک کرونا در زندان و خطر جانی آن برای زندانیان و از جمله وضعیت جعفر عظیم زاده است که جانش در خطر است. ما در این طومار بر آزادی زندانیان سیاسی تأکید کردیم. و بالاخره سومین موضوع حمایت و پشتیبانی از اعتصابات کارگری در ایران است. که گسترده است و این اعتصابات کل جامعه را دارد بسوی اعتصابات سراسری میبرد. به باور من این سه موضوع سه محور مهم همبستگی های کارگری با جنبش کارگری و اعتراضات مردمی در ایران است.

از جمله لغو احکام اعدام برای هشت جوان بازداشتی آبان و دیماه ۹۸ میرحسین مرادی، سعید تمجیدی، محمد رجبی، مهدی صالحی قلعه شاهرخی، محمد بسطامی، عباس محمدی، مجید نظری کندی و هادی کیانی یک موضوع مهم برای کارگران و کل جامعه است. صدور حکم اعدام برای این جوانان، در واقع حکم سرکوب کل جامعه است. حکم علیه مردمی است که به پا خاستند و اعتراض خود را علیه فقر، گرانی، بی تامینی، تبعیض، نابرابری و کلباسط چپاول و دزدی حاکم و جهنم جمهوری اسلامی اعلام داشتند. به همین دلیل باید یک محور مهم جلب همبستگی جهانی با کارگران و مردم ایران همین موضوع باشد.

بعلاوه مقاومت جمهوری اسلامی برای آزادی زندانیان سیاسی و تعطیل کردن زندانها در دل بحران کرونا یک جنایت آشکار است. جمهوری اسلامی با این کار عملاً جان زندانیان را در معرض ابتلا به این بیماری مرگبار قرار داده است و باید توجه و اعتراض جهانیان را به این جنایتکاری جمهوری اسلامی جلب کرد. یک نمونه آشکارش جعفر عظیم زاده است. او در اسفند ماه ۹۸ در همان اوائل شیوع بیماری مهلک کرونا طی پیامی از درون زندانی نسبت به این خطر هشدار داد. اما جمهوری اسلامی بطور مثال علیرغم اینکه بنا به بخشنامه خودشان نیز جعفر عظیم زاده باید آزاد میشد، نه تنها وی را آزاد نکردند بلکه با بازکردن

پرونده جدیدی او را در زندان نگاهداشتند. بعد هم همانطور که اشاره کردم وقتی از او و اسماعیل عبدی و شماری دیگر از زندانیان تست گرفتند جواب آن مثبت بود. بعداً در تست دیگری با گفتن اینکه جواب منفی بوده، با وجودیکه در این فاصله آنها در بهداری در میان بیماران مشکوک به کرونا بستری بودند، دستور بازگرداندن دوباره آنها را به بند دادند. بعد هم اعلام شد که عظیم زاده بدلیل بیماری قلبی و ریوی به بیمارستان طالقانی منتقل میشود و با وارد کردن این شوک به خانواده اش و سرگردان کردن آنها در بیمارستان سرانجام معلوم شد که جعفر را به زندان رجایی شهر به سلول انفرادی انتقال داده اند. این اقدامات شکلی از آدم ربایی و توطئه گری آشکار علیه زندانی است. از همین رو این اقدامات با موجی از اعتراض در درون زندان و بیرون زندان روبرو شد و از جمله ده نفر از زندانیان سیاسی از جمله اسماعیل عبدی طی نامه ای به انتقال جعفر عظیم زاده به زندان رجایی شهر اعتراض کردند. و جعفر نیز در رابطه با همین موضوعات است که هم اکنون در اعتصاب به غذا بسر میبرد. و جانش در خطر است. این چنین است که جمهوری اسلامی دارد با جان زندانیان بازی میکند و باید صدای این زندانیان در سطح جهان بود.

و بالاخره بند دیگر طومار ما در مورد پشتیبانی و همبستگی با موج گسترده اعتصابات کارگری در ایران است. این اعتصابات باید با چنان انعکاس و همبستگی ای در سطح جهانی روبرو شود که جمهوری اسلامی جرات نکند، به راحتی ابزار سرکوبش را در برابر کارگران حدادی کند. واقعیت اینست که اعتصاب سراسری کارگران نفت، در کنار اعتراضات قدرتمند کارگران نیشکر هفت تپه که بیش از هشتاد روز است که ادامه دارد، یک نقطه عطف مهمی در جنبش اعتراضی

کارگری و اعتراضات کل جامعه است. جنبش کارگری بسرعت بسوی اعتصابات سراسری گام بر میدارد و همراه با خود کل جامعه را بسوی خیزش قدرتمند مردمی برای خلاصی از کل جهنم حاکم سوق میدهد. جلب همبستگی جهانی با این مبارزات یک گام مهم در تقویت مبارزات کارگری و فشاری برجانیان اسلامی است. از همین رو محور سوم طومار اعتراضی فری دم ناو تأکید بر همبستگی با اعتصابات کارگری در ایران است و از اتحادیه ها میخواهد که با این اعتصابات و اعتراضات اعلام پشتیبانی کنند. فری دم ناو جداگانه صندوقی در همبستگی مالی با اعتصابات کارگری در ایران اعلام کرده و از اتحادیه های کارگری نیز خواسته است که به این صندوق کمک رسانی کنند. و تا هم اکنون توانسته ایم پاسخ نسبتاً خوبی بگیریم.

بنابراین تا آنجا که به طومار اعتراضی مورد اشاره بر میگردد تا کنون مسئولین هفت نهاد و فدراسیون بزرگ بین المللی از جمله استفانی اسمیت، دبیر کل اتحادیه کارگران و کارکنان خدمات دولتی در بریتیش کلمبیا در کانادا (۷۷۰۰ عضو)، جان کلارک، از سازماندهندگان ائتلاف علیه فقر در انتاریوی کانادا، استفان وان سیچوفسکی دبیر کل شورای اتحادیه های کارگری بریتیش کلمبیا، کانادا (۶۰ هزار عضو)، حزب چپ سوسیست، اتحادیه کارگران بخش عمومی در بریتش کلمبیا (۱۰۰ هزار عضو)، صبحی البدری، نایب رئیس فدراسیون کارگران و کارمندان عراق و ریتا میلیا دبیر کل واحد ساوت ولس اتحادیه کارگران ساختمانی، جنگل، دریایی، معدن و انرژی (عضو ۱۴۴۰۰) این طومار را امضا کرده اند و پشتیبانی خود را از مواد این طومار اعلام کرده اند. این امضا ها ادامه دارد.

لازم به یادآوری است که همین نهادها قبلاً نیز قطعنامه فری دم ناو در حمایت از کارگران زندانی و مبارزات کارگری در ایران با خواست

اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار را امضا کرده که در آن بر روی خواستهایی چون آزادی فوری و بدون قید و شرط کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی، لغو مجازات اعدام، لغو احکام وحشیانه شلاق و ممنوعیت این شکل شنیع مجازات اسلامی شده است. همچنین بیانیه فری دم ناو با تأکید بر تعطیل زندانها در دل بحران کرونا را مورد تأیید قرار داده اند.

در آخر خوبست اشاره کنم که موج گسترده اعتصابات کارگری در ایران در نتیجه فعالیت نیروهای مختلف مدافع حقوق کارگری و از جمله خود ما، تا همین جا با حمایت های وسیع جهانی روبرو بوده است. بنابراین جدا از موارد اشاره چون نهادهای کارگری ای چون کنفدراسیون جهانی ایندوستریال، پلانفرم سندیکاهای کارگری سوئد، شورای اتحادیه های کارگران در استرالیا، کنفدراسیون فرانسوی دموکراتیک کار CFDT، کنفدراسیون عمومی کار CGT، فدراسیون سندیکائی متحد FSU، اتحاد سندیکائی متحد Solidaires، اتحادیه سندیکائی مستقل UNSA، کنفدراسیون ملی اتحادیه کارگری رومانی، حزب کار در ترکیه « Emek Partisi » و اتحادیه دریانوردی استرالیا حمایت و همبستگی خود را با موج اعتصابات کارگری در ایران اعلام کرده اند. و این همبستگی ها ادامه دارد.

انعکاس چنین سطحی از اعتراضات کارگران در ایران در سطح بین المللی خود یک پیشروی مهم در جنبش کارگری و اساساً جنبش سرنگونی در ایران است. ما وظیفه خود قرار داده ایم که صدای اعتراض کارگران و مردم ایران در سطح جهانی باشیم. و این امر را یک گام عملی در جهت به انزوا کشیدن رژیم اسلامی در سطح جهانی و اخراج آن از تمام مراجع جهانی از جمله سازمان جهانی کار میدانیم و برای آن تلاش میکنیم.*

دستاوردها و موقیعت اعتصاب کارگران ...

تعلیق در اعتراض آنان نیست. از جمله در پنجم شهریور در طوماری اعتراضی با امضای ۱۶۰۰ نفره خواستار انحلال شورای اسلامی در نیشکر هفت تپه شدند. این اقدام کارگران نیشکر هفت تپه با توجه به اینکه جمهوری اسلامی اساسا شورای اسلامی را بعد از سرکوب اعتصاب این کارگران در سال ۹۷ و بازداشت اعضای شورای نمایندگی آنان در این کارخانه علم کرد و با توجه به نقش کثیف این نهاد ضد کارگری علیه کارگران، یک تعرض و یک تودهنی بزرگ به حکومتیان بود. با این کار کارگران نیشکر هفت تپه در زمینه بیرون کردن این نهادهای دست ساز حکومتی از محیط های کار به کل جنبش کارگری راه نشان دادند و پیشتر بودند. بعلاوه اینکه اعتصاب و تجمعات کارگران غیر نیشکری با

خواست بازگشت به کار خود همچنان ادامه دارد و این کارگران هر روزه تجمعات اعتراضی خود را داشته اند. و آخرین خبر اینکه روز ۱۳ شهریور در هشتاد و یکمین روز اعتراض کارگران نیشکر هفت تپه مجلس اسلامی با پایان اولتیماتومش به دولت برای تعیین تکلیف مالکیت این شرکت جلسه ای داشت که نمایندگان کارگران نیز حاضر بودند. در آنجا تعدادی از نمایندگان کارگران از جمله ابراهیم عباسی برخواستهای کارگران نیشکر هفت تپه و در راس آن بر لغو خصوصی سازی ها تاکید کردند. بدین ترتیب امروز نیشکر هفت تپه همچنان در یک موقیعت انفجاری قرار دارد و اگر پاسخ نگیرد، این کارگران قدرتمندتر و مصمم تر اعتراضشان را به جلو خواهند برد. تا همین جا کارگران

نیشکر هفت تپه موقیعت های بزرگی داشته اند. این کارگران توانستند کاری کنند که پرونده های امنیتی همکاران بازداشتی شان از جمله اسماعیل بخشی رهبر محبوبشان بسته شود و از زندان آزاد شوند. این کارگران توانستند کاری کنند که حکومت ناچار شود اسدیگی و باند مافیایی او را به دادگاه بکشاند، این کارگران توانستند کاری کنند که نمایندگان مجلس اسلامی ناگزیر به نشست با آنان شوند و حرفها و اعتراضات کارگران را بشنوند و ناگزیر به پاسخگویی شوند. این کارگران حکومت را وادار کردند که علی الحساب دو ماه دستمزد معوقه شان را بپردازد و وعده هایی دهد که ناگزیر است پاسخ دهد. این کارگران توانستند عملا شورای اسلامی را از کارخانه جارو کنند، در این اعتراضات امروز ۵ هزار کارگر قدرتمند و همچون یک رهبر قدم به جلو گذشته و حق خواه و مطالبه گردند. و اینها همه نه تنها برای خود این کارگران بلکه برای کل جنبش کارگری

دستاوردهای تاریخی و مهمی محسوب میشود. با این موقیعت ها کارگران نیشکر هفت تپه امروز در موقیعت بسیار قدرتمندتری قرار دارند و با اتکاء به آنها میتوانند اعتراضاتشان را با قدرت بیشتری برای پیگیری دیگر مطالباتشان به جلو ببرند. نکته مهم اینست که امروز هر کارگر نیشکر هفت تپه از این منظر به اعتصاب تاریخی خود و قدرت مبارزاتش نگاه کند و با اتکاء به این دستاوردها به جلو گام بردارد. این درست است که هنوز برخی خواستهای کارگران عملی نشده است اما دستاوردهایی که این اعتصاب و مبارزه داشته بسیار بیشتر از آنست که در نگاه اول مشاهده میشود و باید آنرا دید و بر این اساس گامهای بعدی را به جلو برداشت. اعلام این دستاوردها و این پیروزی از سوی خود این کارگران رو به کل جامعه به نظرم یک خلاء و یک کمبود در این روزهای حساس اعتراض است. از جمله فشار حکومتیان برای ایجاد تفرقه

در صفوف این کارگران باعث شده است که در روزهای اخیر بحث کارگران بر سر اینکه اعتصاب ادامه دارد یا ندارد درجا بزند و این زمین بازی ایست که خود حکومتیان ایجاد کرده اند تا صف متحد کارگران را ضعیف کنند. باید دانست که اعتصاب تنها شکل اعتراض نیست. و ادامه اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه در همین هفته و اولتیماتوم دادن هایشان به روشنی همین را نشان می دهد. به این دلیل ساده که همین امروز کارگران نیشکر هفت تپه هنوز دو ماه دیگر مزد طلب دارند و معیشت و زندگیشان روی هواست و اگر پاسخ نگیرند، اگر به مطالباتشان پاسخ داده نشود و همین بساط چپاول و دزدی و بردگی تداوم یابد، قطعا ۵ هزار کارگر، ۵ هزار رهبر اعتراض نیشکر هفت تپه مجددا به خیابانها خواهند آمد. پایان دادن قطعی به این توحش و بردگی تنها راهی است که در مقابل کارگران نیشکر هفت تپه و همه کارگران و کل جامعه قرار دارد.*

مدیای اجتماعی

صفحه ۱۰، ۱۲

سازمان جوانان کمونیست

سال تحصیلی جدید و اوج گیری مجدد جدال دانشجویان با جمهوری اسلامی؛ برای نبرد آماده شویم!

سال تحصیلی جدید و اوج گیری مجدد جدال دانشجویان با جمهوری اسلامی؛ برای نبرد آماده شویم!

آغاز سال تحصیلی جدید، اگر چه باید فصلی نو باشد که چرخنده های نظام آموزشی و گستره علمی جامعه را مجددا

به حرکت درمی آورد، اما در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی همواره نقطه آغاز نبردی است مستمر و سینه به سینه که توسط دانشجویان، معلمان، دانش آموزان و زنان علیه جمهوری اسلامی در مدارس و دانشگاهها در جریان است؛

نبردی که بر سر تحقق مطالبات انسانی و در اعتراض سراسری به تبعیضات سیستماتیک حکومتی، آتش آن سال به سال شعله و تر می شود. اما این نبرد امسال، در شرایط کاملا متفاوتی رقم می خورد که در آن از یکسو جامعه و حکومت یکسال را با هم بر سر سرنگونی جمهوری اسلامی به شدیدترین شکل ممکن جنگیده اند و از سوی دیگر اوضاع معیشتی جامعه به گونه ای است که اکثریت جامعه را در بدترین تنگناها قرار داده است.

شروع سال تحصیلی جدید، برای میلیونها دانشجو، معلم، دانش آموز و

خانواده هایشان، نه تنها نویدبخش فضایی دلگرم کننده نیست بلکه در شرایطی رقم



سال تحصیلی جدید و اوج گیری مجدد جدال دانشجویان

با جمهوری اسلامی؛ برای نبرد آماده شویم!



می خورد که تماما اضطراب و اعتراض را در خود حمل می
ادامه در صفحه ۱۰

برگرفته از کانال تلگرامی فارسی عفو بین الملل

ویرانگران انسانیت: بازداشت‌های گسترده، ناپدیدسازی و شکنجه در پی اعتراضات آبان

سازمان عفو بین الملل یک گزارش مفصل و طولانی از مجموعه اقدامات وحشیانه و ضدانسانی جمهوری اسلامی در قبال معترضین و بازداشت شدگان اعتراضات آبانماه منتشر کرده است. به دلیل تعداد بسیار بالای صفحات این گزارش، خلاصه بسیار کوتاهی از هسته اصلی و نتیجه عمومی این گزارش را در ادامه خواهیم خواند:

برگرفته از کانال تلگرامی فارسی عفو بین الملل:

"سازمان عفو بین الملل گزارش مفصلی منتشر کرد که نشان میدهد مأموران نیروهای انتظامی، اطلاعاتی و امنیتی و مقامات زندانها، با همدستی قضات و دادستانها، مرتکب مجموعه ای تکاندنده از موارد نقض حقوق بشر شده‌اند. این موارد شامل بازداشت‌های خودسرانه، ناپدیدسازیهای قهری، شکنجه و سایر رفتارهای بیرحمانه و غیرانسانی علیه بازداشت شدگان اعتراضات سراسری آبان ۱۳۹۸ میشود.

شدند؛ به علاوه مدافعان حقوق بشر از جمله فعالین حقوق اقلیتها، خبرنگاران و افرادی که در مراسم یادبود کشته شدگان در اعتراضات شرکت کرده بودند. صدها نفر، در پی دادگاههای به شدت ناعادلانه ای که توسط قضات مغرض و پشت درهای بسته برگزار شد، اغلب کمتر از یک ساعت به طول انجامید، و به طور نظام مند به "اعترافات" گرفته شده تحت شکنجه استناد و تکیه کرد، به حبس و شلاق محکوم گشته اند و چندین نفر نیز با مجازات اعدام رو به رو شده اند.

این سازمان همچنین از تمامی کشورهای عضو سازمان ملل درخواست میکند که با جدیت از مقامات ایران بخواهند که فوراً بدون قید و شرط تمام کسانی که تنها به دلیل استفاده مسالمت آمیز از حقوق خود بر آزادی بیان، تشکل و تجمع در رابطه با اعتراضات آبان ۱۳۹۸ در حبس به سر میبرند را آزاد کنند؛ کلیه محکومیت های حاصل از دادرسی های ناعادلانه، از جمله محکومیت هایی متکی بر اظهارات اخذ شده تحت شکنجه یا سایر بدرفتاریها را لغو کنند؛ و افراد مسئول در موارد نقض حقوق بشر را پاسخگو نگه دارند.

تحقیقات سازمان عفو بین الملل نشان میدهد که شکنجه و سایر بدرفتاریها به شکل گسترده توسط نیروهای

پلیس، اطلاعات و نهادهای امنیتی و مقامات زندان علیه مردان، زنان و کودکان، چه در هنگام دستگیری و چه در دوران بازداشت به کار رفته است.

شکنجه در جهت مجازات، ارباب و تحقیر بازداشت شدگان و همچنین منظمابه منظور اخذ "اعترافات" اجباری و اقرار به جرم، نه فقط در رابطه با شرکت در اعتراضات، بلکه در مورد ادعاهای مقامات در مورد ارتباط بازداشت شدگان با گروههای مخالف، مدافعان حقوق بشر، رسانه های خارج از ایران و دولتهای خارجی مورد استفاده قرار گرفته است.

تحقیقات عفو بین الملل نشان میدهد که قربانیان، در حالی که کیسه ای روی سرشان کشیده یا به آنها چشم بند زده بودند، با مشت و لگد مورد ضرب و جرح قرار گرفته و شلاق زده شده اند؛ با چوب، لوله های شلنگ پلاستیکی، باتوم و کابل کتک خورده اند؛ برای مدت زمان طولانی از پا یا دست آویزان شده اند یا مجبور شده اند در حالت‌های دردآوری بنشینند یا بایستند؛ از غذای کافی و آب آشامیدنی محروم شده اند؛ زمانهای طولانی، گاهی برای هفته ها یا حتی ماهها، در سلول انفرادی قرار گرفته اند؛ و از مراقبتهای پزشکی برای درمان جراحات وارده در جریان اعتراضات یا

در نتیجهی شکنجه محروم شده اند.

ناپدیدسازی قهری، تحقیقات سازمان عفو بین الملل نشان می دهد که بسیاری از بازداشتشدگان برای هفته ها یا حتی ماهها مورد ناپدیدسازی قهری قرار گرفته اند. این قربانیان در مکانهای نامعلومی که توسط نهادهای امنیتی و اطلاعاتی از جمله وزارت اطلاعات یا سپاه پاسداران اداره میشوند، نگه داشته شده اند. سایر بازداشت شدگان در زندانهای پرازدحام یا پاسگاههای پلیس، پادگانهای نظامی، سالن های ورزشی و مدارس تحت بازداشت مانده اند.

در روزها، هفته ها و ماههای پس از اعتراضات، بستگان نگران بسیاری به عفو بین الملل اطلاع دادند که برای پیگیری وضعیت و محل نگهداری عزیزان شان به بیمارستانها، سردخانه ها، کلانتری ها، دادسراها، دادگاهها، زندانها و سایر مراکز بازداشت شناخته شده مراجعه کرده اند، اما مقامات از ارائه اطلاعات به آنها خودداری کرده و آنها را تهدید کرده اند که اگر همچنان به جستجوی اطلاعات ادامه دهند یا علناً درباره عزیزان ناپدیدشده شان صحبت کنند، دستگیر خواهند شد.*

برای آشنایی، ارسال خبر، گزارش، همکاری و عضویت در حزب کمونیست کارگری میتوانید با آدرس های زیر تماس بگیرید:

سایت حزب: www.wpiran.org

واتس اپ: +۴۴ ۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

تلگرام: @wpi_hkki

پیامگیر تلگرام: @wpi_tamas

اینستاگرام: wpi91

فیسبوک: www.facebook.com/wpiran



KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید
ماهواره یاه ست
فرکانس: 12073
پولاریزاسیون: عمودی
سیمبل ریت: 27500
اف ای سی: 5/6

از صفحه ۵

بازخوانی یک جنایت - فرزند کشی...

دم" است و در صورت محکومیت، صرفاً به پرداخت دیه و نهایتاً حبس تا ده سال محکوم می‌شود. حکم قتل بر او جاری نیست. انگاری او چیزی از میان اموال خود را سر بریده است و خون دخترک سیزده ساله‌اش را در راه احیای ناموس اسلامی حلال کرده است. می‌داند که محکمه و قاضی و شریعت و فقه اسلامی به کمکش می‌آیند، به نوعی تبرئه‌اش می‌کنند و آن داس خونین لعنتی را برای تهدید و ارعاب، بالای سر کل جامعه می‌گیرند. مطابق ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی پدر در جایگاه "ولی دم" در قتل فرزند قصاص نمی‌شود بلکه قصاص تبدیل به دیه و تعزیر می‌شود.

اوصدای «علیرضا پناهیان»، مشاور ارشد خامنه‌ای را پیشتر از این، در توجیه عمل شنیع کودک کشی شینده بود: «این‌ها محصول بی‌بندوباری در خانواده است.» برای همین وقتی سر از بدن دخترش جدا کرد، فریاد زد: "دیدید که من چه با غیرتم!"

او با داس قوانین توحش اسلامی سر فرزندش را برید و "قهرمان" غیرت و ناموس

پرستی آن شد. همانگونه که "حوزه علمیه و مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران" بیانیه داد که قتل رومینا ۱۳ ساله؛ «حاصل نظام اشتباه تربیتی و عاطفی، مخالفت با ازدواج دختران زیر ۱۸ سال تحت عنوان کودک همسری است.»

تمام دم و دستگاه تبلیغی نظام اسلامی که در عمل، خود باعث و بانی این فاجعه هولناک است، به خط شد که از قتل فجیع دخترک سیزده ساله به دست پدرش، ضرورت کودک همسری را بیرون بکشد و روی دست بگیرد. این تمام راه حلی بود که این نظام در آستین داشت!

مادر رومینا هم از این هجوم نه فقط به دلیل لطمه سنگین روانی بعنوان مادر، که به دلیل قوانین اسلامی با تهدید گرفتن حق حضانت پسر ۶ ساله‌اش از سوی همسر قاتلش هم روبرو است.

کاملاً واضح است که در طی این روند مدهش، هیچ نهاد حکومتی، گوش شنوا، و عزمی برای کمک ندارد. از پاسگاه محل، تا آموزش و پرورش، بهزیستی و... هیچ پناه و آغوش بازی استیصال و درماندگی دخترکی سیزده ساله را پیش از اینکه از خانه

بگریزد و به مردی ۲۸ ساله پناه ببرد نه دیده و نه شنیده بود. وقتی هم که تکه پاره شد، باز در بر همان پاشنه چرخید. تنها صدایی که از دستگاه حکومتی برخاست در تأیید ازدواج کودکان و علیه بی‌بندوباری خانواده بود.

در تقابل با این جنایت فریاد اعتراض به بی‌پناهی کودک و قوانین ضد کودک از اعماق جامعه برخاست، در تجمع‌های علیه فرزندکشی و در دفاع از حق کودک و حق زن، علیه قوانین و تبلیغات متحجر اخلاقی و تزریق خشونت و ناموس پرستی فریاد زده شد.

اگر رومینا سیزده ساله به جای فرار و گریز از خانه، به پاسگاه روستایش، پناه می‌برد چه اتفاقی می‌افتاد؟ کدام قانون، کدام حمایت، کدام پشتیبانی به‌دانش می‌رسید؟ کدام نهاد دانا و آشنا به مشکلات و معضلات نوجوانان و توانا به حل آن در پاسگاه حضور داشت؟ به جز آنکه دو دستی رومینا را تحویل رئیس خانواده یعنی، همان پدری که قرار است سر از بدن دخترش جدا کند بدهند؟! به همان جایی که از آن گریخته بود بازگردانده شود!

نه قوانین حمایتی و نه موانع قانونی در مقابل اعمال چنین جنایتی وجود ندارد تا به داد دخترکی در دوران بلوغ در مقابل خشونت سازمان

یافته در جامعه و تحمیل آن به خانواده برسد و نه امکانی برای بازدارندگی خشونت در خانواده.

اگر سرکوب بی‌امان (ان‌جی‌او)ها و تشکل‌های مدافع حقوق زنان و کودکان نبود، می‌توانستند نقش مهم و تعیین کننده‌ای برای پناه دادن به رومینا و رومیناها ایفا کنند.

جمهوری اسلامی با تیغ قصاص و دیه و ولی دم وارد کارزار می‌شود. ابزارهای بازمانده از قرون وسطی و عصر جهالت بشر که جایگاه تعیین کننده‌ای در قوانین فقهی و مجازات اسلامی دارند. به جای ریشه‌یابی و باز دارندگی از ارتکاب به جرم، به جای شناسایی ریشه و عوامل اجتماعی وقوع جرم، زن ستیزی و کودک ستیزی نهادینه شده در قوانین اسلامی را جاری می‌کند. یا خون می‌ریزد و می‌کشد یا خون به ناحق ریخته شده را نادیده می‌گیرد. و اینگونه، رومینا نه یک فرد، که نماد کودکی نیمه تمام و بر باد رفته میلیون‌ها کودک و نوجوان می‌شود.

عدم تأمین امنیت کودکان و زنان بخشی جدایی‌ناپذیر از خشونت سازمان یافته حکومت اسلامی و معرفی آن است.

طی چهار دهه خشونت سازمان یافته حکومتی، نهایتاً

از سال ۱۳۹۲ تا کنون لایحه‌ای بی مصرف تحت عنوان «تأمین امنیت زنان در برابر خشونت» در دالان‌های دولتی دست به دست می‌شود و به جایی نرسیده است. پس از هفت سال با تغییر نام و کسر کردن و کاهش محتوا، تنمه آن را هم تغییر دادند. با حذف بندهای خشونت خانگی، ختنه زنان و جرائم ناموسی و سوءاستفاده ولی و سرپرست، تحت عنوان لایحه صیانت و کرامت و تأمین امنیت بانوان همچنان دارد در دالانهای دولتی می‌چرخد و خاک می‌خورد. هنوز که هنوز است همین را هم تصویت نکردند. این انتهای نمایش مضحک دفاع از حقوق زنان در دست جمهوری اسلامی است.

جامعه اما برای پایان دادن به این مصائب راه را شناخته است. باید دست مذهب از قوانین و دولت کوتاه شود. باید این بساط قرون وسطایی را برچید تا جان کودکان و صیانت جامعه را نجات داد. برای نجات جامعه و بازگرداندن حرمت و کرامت به جامعه، یک چیز باید به فرجام برسد، و آن به زیر کشیدن جمهوری اسلامی و به دور ریختن تمامی این دمل چرکین است. تا جمهوری اسلامی و قوانین شریعه هست، این چرخه جنایت همچنان خواهد چرخید.*

از صفحه ۸

سال تحصیلی جدید و اوج گیری مجدد جدال دانشجویان با ...

کند؛ شرایطی که فشار کمرشکن معیشتی و نگرانی از تأمین هزینه‌های حتی کوتاه‌مدت زندگی و تحصیل را به امری توده‌ای تبدیل کرده‌است؛ شرایطی که

از یک سو دانشگاه‌ها و مدارس را به ماشین‌های تولید پول برای مافیای کلان آموزشی بدل کرده و از سوی دیگر برای عموم مردم، نظام آموزشی طبقاتی آکنده از

مدارس را به مکانی خطرناک برای جان و سلامت دانشجویان و دانش آموزان بدل کرده است و هیچ تدبیری هم از جانب حکومت در چشم انداز آن وجود ندارد؛ به موازات، شرایطی که در آن تعداد کثیری از دانشجویان و معلمان، به جای حضور در کلاس درس، سال تحصیلی جدید را پشت میله‌های زندان

و زیر شکنجه می‌گذرانند. اینها تنها گوشه‌ای از مختصات آن شرایط مشقت‌باری است که حکومت برای توده عظیم مردم به وجود آورده است.

برای مطالعه ادامه مطلب به لینک زیر مراجعه کنید:

<https://tinyurl.com/y52xq3mm>

انقلاب زنانه: اوج گیری کمپین...

نظامی است که فرهنگ تجاوز را روزانه تولید و بازتولید میکند. یک روز پس از دستگیری کیوان امام وردی یکی از فعالین در توئیتر نوشت که "اگر از شاکیان کیوان امام وردی هستید، بروید و شکایتان را ثبت کنید. تعداد شکایات ثبت شده کم است و او تمام ادعاهای مطرح شده را تکذیب کرده. شعبه ۳ بازپرسی دادسرای ارشد"

این در حالیست که شکایت مجازی از این فرد، و افراد دیگر در روزهای اخیر اوج گرفته بود اما بعد از دستگیری او، شکایتهای مجازی به میزان واقعی ثبت نشده بود.

همزمان با دستگیری کیوان امام وردی، سعید مدنی، جامعه‌شناس در گفتگویی با روزنامه شرق اعلام کرد که ۸۰ درصد موارد تجاوز جنسی گزارش نمی‌شود.

دلیل اینکه فرد قربانی تجاوز جنسی، دست به شکایت نمی‌زند را باید در قوانین حاکم جستجو کرد. آمار گزارش‌نشده در ایران بسیار بالاتر است به این دلیل که حمایت از قربانی تجاوز در قانون ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی در حداقل‌ها و آنهم ناروشن است.

بعلاوه اینکه با تولید و بازتولید فرهنگ مذهبی و مردسالار که زن در آن فتنه و عامل شر است، زانی که مورد تجاوز قرار می‌گیرند، همواره نگران این هستند که مورد ظن و بدگمانی قرار بگیرند و به همین دلیل ترجیح می‌دهند که پیامد تجاوز را تحمل کنند اما در معرض قضاوت اشتباه قرار نگیرند، چراکه پیش‌بینی می‌کنند در هر حال آنها محکوم می‌شوند.

در قوانین جاری هم، اثبات

تجاوز و عدم رضایت زن، بسیار دشوار و در بسیاری موارد حتی ناممکن است. بنابراین احتمال اینکه با مطرح‌شدن یک دعوی حقوقی، زنان موفق شوند تجاوز را اثبات کنند، بسیار کم است. مانند مورد اخیر که رسانه ای هم شد؛ زن جوانی که در آسانسور به او تجاوز شده بود، ولی دادگاه بدنبال دو شاهد تجاوز بود.

یا نکاتی که یکی از فعالین دانشجو در افشاگری خود بازگو میکند؛ او میگوید: "اگر به شما تجاوز شد، قبل از هر کاری خودتان را به نزدیک‌ترین کلانتری برسانید."

نه به این دلیل که فرد قربانی تجاوز جنسی در کلانتری میتواند اثبات کند که مورد تجاوز قرار گرفته بلکه به این دلیل که تعلل و تردید در شکایت خود میتواند بهانه‌ای بدست دادسرا بدهد که حتما مشکل از خود طرف (فرد قربانی تجاوز جنسی) بوده که در همان ابتدا مراجعه نکرده.

در نکته بعدی اینکه فعال دانشجو می‌گوید: "اگر قبل از تجاوز جنسی رابطه جنسی داشته‌اید، در پروسه شکایت در صورتیکه از شما سوال شود بگویید که نداشته‌اید." چون ممکن است وکیل فرد متجاوز مدعی شود که "فرد قبلاً رابطه داشته و ممکنه خودخواسته با هر کسی رابطه بگیره و اتهام تجاوز بزنه." که درباره این فعال دانشجو اتفاق افتاده است.

همین چند مورد نشان میدهد که پروسه شکایت و دادرسی در جمهوری اسلامی تا چه میزان فاقد اعتبار هست و اتفاقاً روند شکایت به چه میزان به نفع فرد متجاوز و مجرم است و تا چه حد فردی که مورد تجاوز جنسی قرار گرفته در موقعیت تحقیق،

مقصر بودن و حتی متهم بودن ممکن است قرار بگیرد.

بنابراین نه در فرهنگی که طبقه حاکم تولید و بازتولید میکند پذیرفته شده است که زن شکایت کند و نه از لحاظ حقوق تضمینی وجود دارد که این موضوع را اثبات کند. لذا گزارش تجاوز در ایران بشدت پایین است. بنابراین بسیاری از زنانی که مورد تجاوز قرار گرفته اند نگران می‌شوند در تمام طول زندگی برچسب و انگی روی آنها زده شود که امکان بازگشت به زندگی عادی را برای آنها بشدت سخت می‌کند. لذا تعداد معدودی از زنان حاضر می‌شود شکایت خود را ثبت کنند و بار همه این موارد را به جان و روان بخرند.

با وجود تمام این شرایط موجود، شکستن سکوت و افشاگری از هر راه ممکن باید ادامه و گسترش یابد. فضای ایجاد شده و انعکاس از عمق فاجعه در شبکه‌های اجتماعی، بشدت به ضرر جمهوری اسلامی است؛ حکومتی که با تبلیغ و تحمیل و قانونی کردن ارزشهای ارتجاعی اسلامی و مردسالار تمام تلاش خود را کرده که روی معضلات جامعه سرپوش بگذارد.

نکته ششم: قربانیان تجاوز جنسی که مخالف مجازات اعدام هستند، اقدام به شکایت از متجاوز نمی‌کنند. اخیراً موردی که به یک گفت‌وگو جدی در شبکه‌های اجتماعی تشکیل شده اینست که بخشی از عدم گزارش تجاوز جنسی که اخیراً در یک مورد مشخص و آنهم دستگیری کیوان امام وردی مطرح شده، اینست که قربانیان تجاوز جنسی که مخالف مجازات اعدام هستند، اقدام به شکایت از متجاوز نمی‌کنند چرا که اگر ثابت شود فرد دستگیر شده، مرتکب تجاوز جنسی شده و این پرونده

سنگینی که در شبکه‌های اجتماعی باز شده، واقعی باشد و اثبات شود، خطر اعدام بالای سر مجرم است.

هم اکنون دو موضوع #نه_به_تجاوز و #نه_به_اعدام که به دو عرصه مبارزه علیه جمهوری اسلامی تبدیل شده است، به یک دوگانه جدی در جامعه تبدیل می‌شود که با وجود جمهوری اسلامی هیچ راهکاری برای رفع این تضاد وجود ندارد. اینچنین می‌شود که فرد قربانی مخالف مجازات اعدام، ترجیح میدهد متجاوز زنده بماند تا اینکه اعدام شود، و لذا بار تهاجم جنسی را خود فرد قربانی (که غالباً زنان اند) و به تنهایی، بدون هیچ حمایت قانونی به دوش میکشد.

از طرف دیگر، عدم شکایت از فرد متجاوز می‌تواند به آزاد بودن وی در جامعه منجر شود و حتی تهاجم جنسی توسط او گریبان افراد دیگر را هم بگیرد. لذا، با وجود چنین شرایطی که مسبب آن جمهوری اسلامی است، مساله تجاوز جنسی به یک امر عادی در جامعه تبدیل شده و چرخه تجاوز و تعرض جنسی همچنان در حال چرخیدن است.

یکی از کاربران شبکه‌های اجتماعی بنام زویا می‌نویسد: "مشکلی که بعد از دستگیری کیوان امام وردی پیش اومده اینه که اگر تجاوز ثابت بشه حکمش اعدامه. و قربانیان تجاوز که مخالف اعدام هستن دچار تردید شدن و یکیشون رسماً گفته من به این خاطر از شکایتم در می‌گذرم. متأسفانه در ایران حکم مطابق با جرم نیست. مثلاً اگر ده سال بیست سال زندانش می‌کردن یا حکم به کار اجتماعی می‌دانن خوب بود. اما در مملکت ما آگه ثابت بشه طرف اعدام می‌شه، و آگه دخترا نزن ازش شکایت کنن آزاد می‌شه و عین سعید طوسی با سر بالا میاد دوباره به کثافتکاریاش ادامه می‌ده."

اینجاست که نقش فعالین

پیشرو حقوق زنان و دیگر فعالین پیشرو جنبشهای اجتماعی و اعتراضی از جمله جنبش دانشجویی، کارگری، دفاع از حقوق کودک، لغو مجازات اعدام بسیار مهم و تعیین کننده است تا در بینیه های مشترک، در اقدامات میدانی و بحرکت درآوردن نیروی جمعی، و بهر شکل ممکن با فشار گذاشتن روی جمهوری اسلامی، برای پایان دادن به بردگی جنسی (تجاوز) و قتل عمد دولتی (مجازات اعدام) که هر دو از طبقه حاکم ناشی می‌شود گامهای بلند بردارند. گامهایی که حتی می‌تواند در سرعتگیری جنبش برای سرنگونی جمهوری اسلامی هم تاثیر بسزایی داشته باشد. همچنین نقش احزاب و سازمانهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی و فعالانه وارد شدن به این فضای موجود نیز بسیار حائز اهمیت است، چرا که تجاوز جنسی، این تژادی فاجعه بار جنسی با این حکومت ضدانسانی در رابطه مستقیم است.*

به انقلاب زنانه ببینید! این ضرورت امروز ماست، برای رهایی زن و رهایی جامعه!

*فرم عضویت و فعالیت در انقلاب زنانه را از کانال تلگرام انقلاب زنانه دریافت کنید!

*دادخواهی و کیفخواست علیه جمهوری اسلامی را در کانال تلگرام انقلاب زنانه امضا کنید و یکی از شاکیان پرونده زن ستیزی جمهوری اسلامی باشید!

کانال تلگرام:
t.me/
enghelabezananeh
اینستاگرام:
instagram.com/
women.revolution
توییت:
twitter.com/
enghelabezanane
فیسبوک:
facebook.com/
womens.revolution1



به در خواست خانواده افکاری برای لغو احکام اعدام و زندان و شلاق

سه برادر به دلیل شرکتشان در اعتراضات مرداد ۱۳۹۷ در شیراز علیه فقر و گرانی، به اعدام و زندانهای طولیل مدت و شلاق محکوم شده‌اند. نامشان نوید، وحید و حبیب است. نوید افکاری به ۲ بار اعدام، ۶ سال و ۶ ماه حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شده است. حکم اعدام وی از سوی دیوان عالی حکومت تایید شده است و امکان اعاده دادرسی نیز نیست. وحید افکاری به ۵۴ سال و ۶ ماه حبس و ۷۴ ضربه شلاق و حبیب افکاری به ۲۷ سال و ۳ ماه حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شده‌اند.

نوید و وحید افکاری بعد از مشارکت در اعتراضات مرداد ۹۷ در شهریور ۹۷ بازداشت شدند. حبیب افکاری در تاریخ ۲۲ آذر ۱۳۹۷ بازداشت شد. یک متهم دیگر این پرونده بنام سعید دشتکی نیز در شهریور ۹۷ بازداشت شد. لازم است اشاره کنیم که نوید (فرشید) افکاری سنگری متولد ۱۳۷۲، مجرد، شغل گچکار و کشتی گیر (دارای چند مدال قهرمانی کشوری)، وحید افکاری سنگری متولد ۱۳۶۴، مجرد، گچکار. حبیب افکاری سنگری متولد ۱۳۷۰، متأهل، شغل جوشکار و سعید دشتکی، ۲۲ ساله و همگی اهل شیراز هستند. در طول این دوسالی که

نوید، وحید و حبیب در زندان بوده‌اند بشدت تحت انواع شکنجه‌های روحی و جسمی قرار داشته‌اند تا علیه خود دست به اعتراف بزنند. خود این زندانیان می‌گویند در زیر شکنجه ناچار به آن اعترافات شده‌اند. وحید افکاری در این مورد گفته است: "تهدید شدم که بقیه خانواده را بازداشت می‌کنند. تصمیم گرفتم خودم را بکشم. که دستکم نوید از این مخمصه جان سالم به در ببرد. در بیمارستان نمازی سه روز در کما بودم و هیچ کس صدایم را نشنید. بدنال آن در شکنجه‌ها پلاستیک روی سرم می‌کشیدند. با غل و زنجیر می‌زدند و ساعت‌ها با باتون به کف پایم می‌زدند و وادارام می‌کردند راه بروم. تهدیدم کرده بودند که مادر و خواهرت را بازداشت می‌کنیم". نوید افکاری هم گفته است: "روی صورتم پلاستیک می‌کشیدند و مرا تا مرز خفگی و مرگ پیش می‌بردند. دست‌ها و شکم و پاهایم را به وسیله باتوم و اجسام سخت به شدت مورد ضرب و شتم قرار می‌دادند و مکرراً با الفاظ توهین‌آمیز و رکیک اهانت می‌کردند. مرا محکم می‌بستند و در بینی‌ام الکل می‌ریختند". این سه برادر طبق یک سناریوی ساختگی متهم هستند که یکی از اعضای نیروهای امنیتی - اطلاعاتی

جمهوری اسلامی را که در سرکوب مردم نقش داشته است، به قتل رسانده‌اند. اتهامی که این سه برادر آن را تکذیب می‌کنند. متهمان می‌گویند حکومت هیچ سندی و هیچ نشانی برای شرکت آنها در این قتل ندارد و این اتهام کاملاً ساختگی را رد می‌کنند.

بهبه نامجو، مادر این سه برادر در پیامی ویدیویی از همه ما برای نجات فرزندانش و بخصوص نوید که به اعدام محکوم شده است طلب کمک دارد: "از هر کسی صدای من را می‌شنود تقاضای کمک دارم برای احکام ناحق و ناعادلانه‌ای که به پسرانم داده‌اند". او می‌گوید که اصلاً نمی‌توانم حکمی که به پسرانم داده‌اند را به زبان بیاورم. نوید افکاری در یک فایل صوتی از زندان خطاب به مردم می‌گوید او گام به گام به چوبه دار نزدیک‌تر می‌شود و اگر تا به حال سکوت کرده، به امید اجرای عدالت بوده، اما الان که در آستانه اعدام است، نیازمند حمایت افکار عمومی و انسان‌های آزاده و حق طلب

است. او خطاب به مردم می‌گوید، اگر اعدام شد، همه بدانند در قرن بیست‌ویکم، با این همه سازوکارهای حقوق بشری و سازمان ملل و شورای امنیت و غیره، یک انسان بی‌گناه در حالی که با تمام توانش تلاش کرد و جنگید، اعدام شده است. ما اهداف جمهوری اسلامی از صدور و اجرای احکام اعدام علیه جوانان معترض را می‌شناسیم. این احکام اعدام و کشتن معترضین به این خاطر است که از شورش‌های آتی علیه نظام منحوسشان جلوگیری کنند. این برای جمهوری اسلامی جنگی سرنوشت ساز برای ماندن به هر قیمت است. از نیروی مردم می‌ترسند و می‌خواهند به خیال خودشان با اعدام و کشتار از مردم زهر چشم بگیرند. ما مردم می‌توانیم و باید این اقدامات جنایتکارانه را به ضد خود تبدیل کنیم. لازم است که همه ما به فراخوان بهبه نامجو مادر نوید، وحید و حبیب افکاری یکصدا و متحدانه پاسخ مثبت دهیم. به

ندای کمک طلبانه نوید افکاری از زندان به خود آئیم و برای نجات یکی دیگر از فرزندان شریف مردم ایران به میدان بیائیم. صدای نویدها صدای اعتراض همه ما علیه چهل و یکسال بی‌عدالتی و ظلم است. با استفاده از مدیای اجتماعی و با ترتیب دادن اعتراض و گردهمایی خواستار لغو احکام اعدام و زندان و شلاق علیه نوید، وحید و حبیب افکاری و همه معترضین دیگر شویم. وقت تنگ است. باید فعالیتهای خود را گسترش دهیم و فشار علیه جمهوری اسلامی را افزایش دهیم. کمیته بین المللی علیه اعدام برنامه‌هایی را در خارج کشور برای نجات این سه برادر و بویژه نوید افکاری که با خطر فوری اعدام روبروست در نظر گرفته که در اطلاعیه‌های بعدی به اطلاع عموم خواهد رساند.*

کمیته بین المللی
علیه اعدام
۱۰ شهریور ۱۳۹۹
۳۱ اوت ۲۰۲۰



گرفته تا رسانه‌ها و تشکلهای سازمانها و احزاب، افزوده شد.
#نوید_را_نکشید
#SaveNavidAfkari
#اعدام_نکنید
#لغو_فوری_اعدام

سازمان جوانان کمونیست

طناب دار شما، مدال آزادی خواهی اوست!

دیوارنویسی در اعتراض به حکم اعدام #نوید_افکاری هم به موج گسترده اعتراضات جامعه از مدیای اجتماعی

اعتصابات : شماره ۳۰

اعتصاب کارگران نفت در روز ۳۲

شرکت‌های پیمانکاری همانند پتروشیمی سبلان و برخی پیمانکاران میدان نفتی آذر نیز پیشنهاد افزایش مزد به کارگران داده شده است. ضمن اینکه در بخش هایی هم دستمزدهای پرداخت نشده کارگران را با آنها تسویه حساب کرده اند.

در برخی مناطق پیمانکاران تلاش کرده اند برعکس با عدم پرداخت طلبهای مزدی کارگران و قراردادن آنها زیر فشار اقتصادی شدیدتر، اعتصاب را تضعیف کنند. در عین حال تهدید فعالین کارگری خصوصا کاربران سایبری ابزاری در جهت ایجاد فضای امنیتی در این مبارزات و عقب زدن کارگران است. اما علیرغم همه اینها اعتصاب سراسری کارگران پیمانی نفت و مراکز وابسته به آن ادامه دارد.

کارگران متخصص پیمانی در این اعتصاب خواست حداقل دستمزد ۱۲ میلیون را مطرح کرده اند. علاوه در شرایطی که یک موضوع اعتراض کارگران، معلمان، بازنشستگان و حقوق بگیران جامعه در چند ساله اخیر افزایش حقوقها به بالای خط فقر ده میلیونی بوده است، باید حقوق کارگران غیر متخصص پیمانی در نفت نیز که در بسیاری از مراکز نفتی هم اکنون در اعتصاب هستند، حداقل ده میلیون تومان باشد.

مساله خلع ید از پیمانکاران نیز یک خواست سراسری کارگران نفت و تمام مراکزی است که با این شکل

امروز ۱۱ شهریور اعتراض سراسری نفتگران وارد روز سی و دوم شد. دامنه این اعتصابات به ۲۵ شهر و بیش از ۵۰ مرکز نفتی کشیده شده است. بنا بر آخرین خبرهای منتشر شده در نیروگاه فردوسی نیز کارگران پروژه ای به این اعتصاب پیوسته اند. همچنین اخباری از عقب نشینی های کارفرمایان و پیمانکاران در برابر خواست افزایش حقوقها از سوی کارگران، شنیده میشود.

قبلا گزارش کردیم که در جاهایی چون پارس جنوبی و مراکز نفتی در جنوب پیمانکاران که خود قرارداد معینی با دولت دارند، نیز وارد اعتصاب شده اند و بنا بر قاعده هر شش ماه یک بار قرارداد دولت با آنان تحت عنوان "تعدیل قرارداد" تجدید میشود. بنا بر خبرهای جدید در ماهشهر دولت با پیمانکاران جلسه داشته و سی درصد به دریافتی های آنها از قبل قراردادها اضافه کرده است. بدنبال این تصمیمات خبرها از برخی شرکت ها حاکی از عقب نشینی های پیمانکاران و کارفرمایان در زمینه حقوقهاست. از جمله در شرکتهایی در فاز ۱۴ پیمانکاری لیموچی در شرکت تهران جنوب، پتروپالایش شرکت گاما و شرکت زاگرس دستمزدها افزایش یافته است. در شرکت نفت فلات قاره نیز زیر فشار اعتراض کارگران کارفرمایان قول پیگیری خواستهای آنان را داده اند. در تعدادی از

زنده باد شورا!



پیش بسوی اعتصابات سراسری

معدن و انرژی (عضو ۱۴۴۰۰۰)، صبحی البدری، نایب رئیس فدراسیون کارگران و کارمندان عراق، جان کلارک از چهره های شناخته شده و سازماندهندگان کمپین علیه فقر در انتاریو، ۸۰ سندیکا و تشکل کارگری در کشورهای مختلف، پلانفرم سندیکاهای کارگری سوئد، شورای اتحادیه های کارگران در استرالیا، کنفدراسیون فرانسوی دموکراتیک کار CFDT، کنفدراسیون عمومی کار CGT، فدراسیون سندیکائی متحد FSU، اتحاد سندیکائی متحد Solidaires، اتحادیه سندیکائی مستقل UNSA، کنفدراسیون ملی اتحادیه کارگری رومانی، حزب کار در ترکیه «Emek Partisi» و اتحادیه دریانوردی استرالیا حمایت و همبستگی خود را با موج اعتصابات کارگری در ایران اعلام کرده اند. این همبستگی ها ادامه دارد.*

میگیرد. در این مناطق حتی همان قانون کار ضد کارگری نیز جاری نیست و در آنجاها یک بردگی مطلق حاکم است. قوانین برده وار مناطق ویژه اقتصادی باید فوراً لغو گردد.*

پیش بسوی اعتصابات سراسری

پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست
کارگری ایران
۱۱ شهریور ۱۳۹۹
۱ سپتامبر ۲۰۲۰

لیستی از همبستگی های جهانی با اعتصابات کارگری در ایران:

کنفدراسیون جهانی اینداستریال، اتحادیه کارگران خدمات دولتی در بریتیش کلمبیا در کانادا، اتحادیه کارگران بخش عمومی در بریتیش کلمبیا در کانادا، شورای اتحادیه های کارگری کانادا، ریتا میلیا دبیرکل واحد سات ولس اتحادیه کارگران ساختمانی، جنگل، دریایی،

از استخدامهای برده وار درگیرند. علاوه قراردادهای موقت یک معضل سراسری کارگری است. در همین راستا کارگران خواستار قراردادهای مستقیم با وزارت نفت هستند. اینها محورهای اصلی خواستهای کارگران اعتصابی نفت است.

علاوه بر خواستهای فوق، پایان دادن به فضای امنیتی حاکم در مراکز کاری، برخورداری از استانداردهای قابل قبول بهداشتی و ایمنی در محیط های کار، بالابردن استاندارد بهداشت کمپها و حمام کارگران و خوابگاهها در حد قابل قبول، و برخورداری همه کارگران نفت از در مانگاههای ویژه صنعت نفت خواستهایی است که موضوع اعتراض همه کارگران است.

یک معضل اساسی دیگر کارگران نفت قوانین برده وار ویژه مناطق اقتصادی است. این معضل نه تنها صنایع نفت و وابسته به آن بلکه ۶۵ منطقه اقتصادی را در بر

" مبنای انقلاب کارگری بشریت است، مبنای آزادی کارگر بشریت است، و مبنای مارکسیسم آزادی بشریت است. " منصور حکمت



اطلاعیه خبری حزب (تلخیص شده)

تجمع کارگران غیر نیشکری هفت تپه و چند اعتراض دیگر کارگری

- امروز چهارشنبه ۱۲ شهریور قرار بود جلسه مجلس اسلامی بر سر روشن شدن وضعیت مالکیت شرکت نیشکر هفت تپه که زیر فشار اعتراضات کارگران، قولش را داده بودند برگزار شود. اما به بهانه عاشورا آنرا به تعویق انداختند. خواست کارگران خلع ید از بخش خصوصی دزد و چپاولگر از این شرکت است. این کارگران همچنین خواستار پرداخت فوری دو ماه دستمزد پرداخت نشده، بازگشت به کار کارگران غیر نیشکری و تمدید قرارداد کارگران فصلی نی بر، بازگشت به کار اسماعیل بخشی و دیگر همکاران اخراجی و بسته شدن پرونده های امنیتی تشکیل شده برای کارگران اعتصابی هستند. ۵۰۰۰ کارگر نیشکر هفت تپه با ادامه اعتراضاتشان به اشکال مختلف پیگیر مطالباتشان هستند. در این روز کارگران غیرنیشکری نیشکر هفت تپه در ادامه اعتراضاتشان نسبت به بلاتکلیفی شغلی و برای بازگشت به کار، در هشتمین روز اعتصابشان مقابل فرمانداری شوش تجمع کردند. کارگران نیشکر هفت تپه اعلام کرده اند که در صورت عدم پاسخ گرفتن خواستههایشان اعتراضات خود را در اشکال دیگر و گسترده

باتوجه به پرخطر بودن شغل آتش نشانی، اگر اتفاق ناگواری برای یکی از پرسنل در عملیات های امداد رخ دهد قطعاً مبلغ حقوقی ناچیزی شامل خانواده آتش نشان می شود

- بنا بر خبرها مدیریت شرکت واحد اتوبوسرانی تهران پس از اعتراضات ماه های گذشته رانندگان و کارگران در اعتراض به تاخیر در پرداخت حقوق، رانندگان و کارگران معترض را با تغییر جغرافیایی محل کارشان و تغییر شیفت کاری آنها و احضارشان به حراست تحت فشار قرار داده است تا در اعتراضات آتی شرکت نکنند. این موضوع بر فضای اعتراض در میان کارگران شرکت واحد شدت داده است.

- روز سه شنبه ۱۱ شهریور، کارگران شرکت پارس سوئیچ واقع در شهرک صنعتی اشراق زنجان در اعتراض به بخشنامه منتشر شده ای از سوی مدیریت و در خطر دیدن شغل خود و نداشتن امنیت شغلی دست از کار کشیدند.

- روز سه شنبه ۱۱ شهریور، کارگران آب معدنی داماش در ادامه اعتراضات دامنه دارشان بخاطر بلاتکلیفی شغلی و معیشتی مقابل فرمانداری شهرستان رودباردر استان گیلان تجمع کردند. بنا بر خبرها نزدیک به ۳۰ تا ۴۰ کارگر در کارخانه آب معدنی داماش در بخش تولید مشغول کارند که در سال جاری دو ماه حقوق و ۴ ماه حق بیمه معوقه طلبکارند. به گفته کارگران

در اعتراض ۴ ماه قبل آنها وعده راه اندازی خطوط جدید تولید و به روز کردن مطالبات کارگران تا چند ماه آینده داده شد اما با وجود راه اندازی خطوط جدید اما معوقات هنوز به روز نشده و از دو ماه پیش فعالیت تولیدی کارخانه بخاطر تامین نشدن مواد اولیه متوقف شده است و این موضوع موجب نگرانی کارگران شده است. شرکت آب معدنی داماش در حال حاضر متعلق به هلدینگ گروه ملی است.

- صبح روز سه شنبه ۱۱ شهریور، کارگران پیمانی اداره امور ورزش شرکت بهره برداری نفت و گاز گچساران برای اعتراض به اخراج از کار در مقابل فرمانداری شهرستان گچساران در استان کهگیلویه و بویراحمد تجمع کردند.

- روز ۱۱ شهریور معلمان حق التدریس با خواست استخدام برای چندمین بار مقابل وزارت آموزش و پرورش تهران تجمع کردند. معلمان شعار میدادند: "وعده وعید نمیخواهیم، اجرای قانون میخواهیم"، حق التدریس مظلوم، استخدام، استخدام".

- روز دوشنبه ۳ شهریور همزمان با سفر نوبخت به قزوین، کارگران اخراجی راهداری و حمل و نقل جاده ای قزوین در ادامه اعتراضات دامنه دارشان بخاطر بلاتکلیفی شغلی و معیشتی در مسیر بازگشت نوبخت از دهکده بارجین به مهمانسرا دست به تجمع زدند. زیر فشار اعتراضات کارگران

نوبخت وعده تمدید قرارداد کارگران اخراجی تا پایان سال ۹۹ و پرداخت بدهی کارگران را داد. این کارگران که تعدادشان به ۵۰ نفر میرسد ۵ ماه است که به بهانه الکترونیکی شدن عوارضی ها از کار بیکار شده اند.

جمعی از کارکنان و کارمندان راه آهن طی بیانیه ای اعتراض خود را به وضعیت اسفناک کاری و معیشتی خود اعلام کرده اند در حال حاضر در تمامی نواحی راه آهن کارگران چندین ماه حقوق و حق بیمه خود را طلب دارند. این موضوع به موجی از اعتراضات در میان این کارگران دامن زده است. علاوه بر پرداخت دستمزدهای معوقه، کارگران راه آهن خواستار حذف شرکت های پیمانی و قراردادهای مستقیم و رسمی کاری هستند.

اعتراضات گسترده در میان کارگران راه آهن بر بستر اعتصابات سراسری کارگران نفت زمینه ساز اعتصابی سراسری از جانب کارگران راه آهن در اعتراض به حقوقهای زیر خط فقر و دیگر مطالبات آنها را فراهم کرده است. با اعتصابات گسترده و سراسری باید مقابل مفتخوران حاکم ایستاد.*

پیش بسوی
اعتصابات سراسری
پیش بسوی
ایجاد شوراها

حزب کمونیست
کارگری ایران
۱۲ شهریور ۱۳۹۹
۲ سپتامبر ۲۰۲۰



WE STILL NEED **MARX**
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiran.org



حمایت ۷ نهاد بین المللی از طومار فری دم ناو



امضاها اضافه شد

واحد سات ولس اتحادیه کارگران زندانی (Free Them Now) طی نامه ای همراه با یک طومار سه ماده ای خطاب به تمام سازمانهای کارگری و نهادهای انسانی در سراسر جهان خواستار حمایت و گذاشتن امضای خود در زیر آن شده است. این طومار بر سه موضوع عاجل و فوری لغو احکام اعدام ۸ نفر از بازداشت شدگان آبانماه و دیماه، شیوع کرونا در زندان و به خطر افتادن جان زندانیانی چون جعفر عظیم زاده از چهره های سرشناس جنبش کارگری و اسماعیل عبدی از معلمان معترض و آزادی فوری همه زندانیان سیاسی و حمایت از اعتصابات سراسری کارگری در ایران تاکید دارد. در پاسخ به این نامه استقانی کارگران و کارکنان خدمات دولتی در بریتیش کلمبیا در کانادا (۷۷ هزار عضو)، استفان وان سیچوفسکی دبیر کل شورای اتحادیه های کارگری در بریتیش کلمبیا (۶۰ هزار عضو)، جان کلارک از چهره های شناخته شده و سازماندهندگان کمپین علیه فقر در انتاریو، حزب چپ سوییسی، اتحادیه کارگران بخش عمومی در کانادا، ریتا میلیا دبیرکل

کمپین برای آزادی
کارگران زندانی
[http://free-them-
now.com/](http://free-them-now.com/)
[shahla.daneshfar2
@gmail.com](mailto:shahla.daneshfar2@gmail.com)

۳۰ اوت ۲۰۲۰

خطاب به تمام
سازمانهای کارگری و
نهادهای انسانی در
در سراسر جهان
لطفا پتی شن زیر را
امضاء کنید

دوستان عزیز!

همانطور که می دانید موجی از اعتصابات و اعتراضات کارگران در ایران برافزوده است. برجسته ترین آنها اعتصابات کارگران نفت و گاز و پتروشیمی و اعتصابات کارگران نیشکر هفت تپه است. وضعیت بگونه ای است که احساس میشود ما در یک نقطه عطف هستیم

و دولت نمی تواند علیه کارگران کاری انجام دهد اما تلاش می کند اتحاد کارگران را با سیاست هویج و چماق پراکنده کند و تاکنون موفقیتی نداشته است.

در همین زمان رژیم برای ۸ تن از معترضین بازداشت شده که در یک سال گذشته خیزشهای سال گذشته دستگیر شده اند، احکام اعدام صادر کرده است و سعی دارد به کارگران و مردم چنگ و دندان نشان دهد.

شما همواره از مبارزات ما حمایت کرده اید و ما از همبستگی شما با کارگران در ایران بسیار قدردانی می کنیم. من از شما می خواهم که این طومار را امضا کنید و یک بار دیگر حمایت خود را از کارگران اعتصابی ابراز کنید. حمایت و همبستگی شما برای کارگران در ایران بسیار مهم و دلگرم کننده است.*

با همبستگی
شهلا دانشفر، سخنگوی
کمپین برای کارگران زندانی
آزاد (فری دم ناو)
۹ اوت ۲۰۲۰
[shahla.daneshfar2@
gmail.com](mailto:shahla.daneshfar2@gmail.com)

همبستگی اتحادیه های
کارگری جهانی با کارگران

و مردم ایران

کارگران اعتصابی نفت، کارگران نیشکر هفت تپه و سایر اعتصابات کارگران در ایران حمایت می کنیم و از حکومت ایران می خواهیم که فورا و کاملا به خواسته های کارگران پاسخ دهد.

امضاء کنندگان:

۱- استقانی اسمیت، دبیر کل اتحادیه کارگران و کارکنان خدمات دولتی در بریتیش کلمبیا در کانادا
۲- جان کلارک، از سازماندهندگان ائتلاف علیه فقر در انتاریو کانادا.

۳- استفان وان سیچوفسکی دبیر کل شورای اتحادیه های کارگری بریتیش کلمبیا، کانادا (۶۰ هزار عضو)
۴- حزب چپ سوئیس
۵- اتحادیه کارگران بخش عمومی در بریتیش کلمبیا با ۱۰۰ هزار عضو

۶- صبحی البدری، دبیر کل اتحادیه کارگران و کارمندان عراق

۷- ریتا میلیا دبیر کل واحد سات ولس اتحادیه کارگران ساختمانی، جنگل، دریایی، معدن و انرژی (عضو ۱۴۴۰۰۰)*

۱- ما خواستار لغو مجازات اعدام برای هشت نفر از معترضین به نام های سعید تمجیدی، امیرحسین مرادی، محمد رجیبی، مهدی صالحی، هادی کیانی، معظم بسطامی، مجید نظری و عباس محمدی هستیم و تأکید می کنیم که این جوانان هیچ جرمی جز مبارزه عادلانه برای دفاع از حقوق پایه ای اجتماعی خود مرتکب نشده اند. آنها باید در اسرع وقت آزاد شوند و مجازات اعدام باید بطور کامل لغو شود.

۲- با توجه به گزارش های شیوع گسترده کرونا در زندانهای ایران و بیمار شدن بسیاری از زندانیان سیاسی از جمله جعفر عظیم زاده دبیر کل اتحادیه آزاد کارگران ایران، اسماعیل عبدی عضو هیئت اجرایی کانون صنفی معلمان تهران و تعدادی دیگر از زندانیان سیاسی، خواستار آزادی فوری همه زندانیان آلوده و به ویژه جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی هستیم. همه زندانیان سیاسی باید فورا آزاد شوند.

۳- ما به همراه "فری دم ناو" از خواسته ها و مبارزات

برای برپائی و ساختن جامعه ای شاد و مرفه به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید.



جان جعفر عظیم زاده فعال کارگری در خطر است!

بیانیه بیش از ۵۰۰ نفر از فعالین صنفی و اجتماعی و مدنی، خانواده های زندانیان و جانبختگان از ایران، در حمایت از اعتراض جعفر عظیم زاده

دیربست که ما شاهد فشار ، دستگیری ، شکنجه ، اعترافات اجباری و حبس های طویل المدت فعالین کارگری، کودکان، زنان و دانشجویان و سایر فعالین مدنی هستیم.

سال هاست مردم با گرانی و فقر دست و پنجه نرم میکنند.

سال هاست کارگران و معلمان، بازنشستگان، پرستاران و اقشار دیگر جامعه را به جرم خواست پرداخت حداقل دستمزد و حقوق پایه ای شان دستگیر میکنند، شلاق میزنند و به زندان میاندازند.

جعفر عظیم زاده دبیر هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران در اعتراض به حداقل دستمزد تعیین شده توسط مسئولان اقتصادی کشور و به جرم جمع آوری طومار اعتراضی چهل هزار امضا به تعیین حداقل دستمزد به پنج سال زندان با اتهامات امنیتی روبرو شد.

او قبلا نیز در سال ۹۵ سلامت جسم و جانش را گذاشت و علیه امنیتی کردن فعالیت های فعالین صنفی و اجتماعی ۶۳ روز دست به اعتصاب غذا زد. امروز جعفر عظیم زاده مجددا در زندان است.

با وجود اظهارهای وی در بدو شیوع کرونا و خواست آزادی تمام زندانیان، نه تنها به همدارها و خواست وی توجه نشد بلکه با مرخصی او مخالفت شد و برای وی پرونده و حکم جدید تشکیل و صادر نمودند.

جعفر عظیم زاده در زندان اوین به کرونا مبتلا شده بود و باید به بیمارستان منتقل میشد، اما بدون اطلاع قبلی و به بهانه اعزام به بیمارستان او را به سلول انفرادی زندان رجایی شهر کرج انتقال دادند.

جعفر عظیم زاده در اعتراض به انتقال ناگهانی به زندان رجایی شهر کرج ، بیخبر نگه داشتن خانواده از وضعیت او و عدم رعایت پروتکل های بهداشتی در زندانها برای مقابله با کرونا از یکشنبه ۲۶ مرداد دست به اعتصاب غذا زده است.

ما امضا کنندگان این نامه ضمن محکوم کردن بازداشت و زندان فعالین صنفی و اجتماعی و مدنی، خواستار انتقال هر چه سریعتر و بدون قید و شرط جعفر عظیم زاده به بیمارستان جهت درمان و آزادی وی میباشیم.

۱۳ شهریور ۹۹

- 1- محبوبه فرح رادی -2
- محسن نورایی 3- امید
- ناصری 4- اعظم حسنی 5-
- مهناز لطفی 6- منیژه فروزنده
- 7- مینو خدیو -8- راضیه
- دزفولی 9- مریم فولادی 10-
- حسین شاهپری 11- نرگس
- باوی 12- فرهاد یثربی 13-
- کاظم مینائی 14- رحیم
- شجری 15- نصرت یزدانی -
- 16- زهره خوشنویس -7-واله
- رمانی 18- پویان نورایی 19-
- رحیم امیری 20- سعید
- اصفهانلی 1-2- ملیحه
- سلیمانی 22- هما عسگری
- 23- مهناز شوستری 24-
- زهره سلطانی 25- علی توانا
- 26- بیژن نجفی 27- خدیجه

- موسوی 28- تهمنه خسروی
- 29- سارا پازتاریان 30-
- مهناز قربانی 1 3- شهین
- طالبی 32- جمشید فرهی
- 33- امید تهرانی 34- ناصر
- خسروی 35- فرح زحمتکش
- 36- منصور مختاری 37-
- حسین بابازاده 38- شهلا
- بابایی 3 9- مینا کاظم
- زاده 40- فرزانه راجی 41-
- مریم طاهری 43- ژاله صفری
- 44- یعقوب صفری 45- مریم
- طالب زاده 46 - سندیکای
- کارگران فلز مکانیک ایران 47
- ژاله روحزاد 48- پروین
- شایگان 49 - فولاد محمدی
- 50- کبری فروزانفر 51 -
- نسرین خدایاری 52- محمد
- رفیعی 53 - نادر رفیعی 54
- فهیمه باد کوبه 55-
- شکوفه سلیمان 56 - باهره
- علمداری 57- لی لی ایلکایی
- 58 - روح الله مهدی پور 59
- جعفر ابراهیمی 60 - باز
- نشستگان بافنده سوزنی 61-
- باز نشستگان فلز مکانیک 62
- گروه اتحاد باز نشستگان
- 63- پروین آزاد 64- شهلا
- خباز راده 65- نرگس خرمی
- 66- وحید میر شکار 67-
- محدث 68- زهرا وفاپی 69 -
- اتحاد بازنشستگان ایران 70-
- سندیکای نقاشان استان البرز
- 71 - شورای همبستگی
- کارگری 72- عالییه اقدام
- 74- فریدون سرحدی 75-
- شیرین احمدی 76- جمیله
- روح زنده 7 7- محمد
- جوهری 78- بدالله ویژه
- 79- علیرضا گلی 80 -
- ابراهیم خدادادی 81 - عین
- الله رحیمی 81 - تعدادی از
- معلمان سواد آموز کودکان
- کار و خیابان 82- مهران
- محبوبی 83 - صدیق کریمی
- 84- رویا پرواز 85 - شهلا
- یوسفی 86 - عادلانه لامعی
- 87- امیر زارع 88- مهندس
- سعیدی 89- عباس محمدی
- 90- بانو ایرانی 91- توران
- شهروندی 9 2- جمشید
- صدقی 93- سیروس خلیل
- زاده 9 4- پروین نخستین

- 95- طاهره کبریایی 96-
- شهناز فروتن 97- معصومه
- قنبری 98 - رضا قنبری 99
- بهنام ابراهیم زاده 100
- یاری روشنی 101 - رحمان
- بیگی 102 - انجمن برق و
- مکانیک کرمانشاه 103 -
- فعالین لغو کار کودک 104 -
- عزیز عزیزی 105 - منوچهر
- آقا بیگی 1 0 6- مهدی
- علیزاده فخر آبادی 107-
- شیوا رشیدی 108- عیسی
- ابراهیم زاده 109- مرضیه
- خسرویان 1 10 - مریم
- دانشور 111 - مسلم کریمی
- 112- عبالرضا پاک سرشت
- صوفی 113- رضا فلاح 114-
- منصوره فارسی جوکاری
- 115- حمید بارانی 116-
- نرگس محمدی 117 - مریم
- پور محمدی 118- رعنا
- شکوهی 120- یاسر سرمدی
- 121- محمد پور علی 122-
- مینو کیخسروی 123- الدوز
- هاشمی 1 2 4- مهرنوش
- حیدرزاده 125 - پریچهر
- عزیزی 126- حسین رضایی
- 127- عبدالله رضایی 128-
- محمود بهشتی لنگرودی
- 129- عالییه امیری 130 -
- مژگان خوش عاقبت 131-
- ملیحه کریم الدینی و 132-
- محمد علی زحمتکش.

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سر دبیر: شهاب بهرامی
ادیتور: کاظم نیکخواه
مسئول فنی: مراد شیخی

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه منتشر میشود

www.anternasional.com